



انقلاب اکتبر و انقلاب ویتنام

لهدوان - ترون شین

انقلاب اکتبر و انقلاب ویتنام

له دوان - ترون شین

www.KitaboSunnat.com

www.KetabFarsi.com

- انقلاب اکتبر و انقلاب ویتنام
- نویسنده: له دوان - ترون شین
- چاپ اول: آبان ماه ۱۳۵۹
- از انتشارات سازمان چریکهای فدایی خلق ایران (اکثریت)

فهرست

صفحه

- ۱ مقاله‌ای بمناسبت شصتمین سالگرد انقلاب اکتبر لهدوان ۲۱ - ۶
- ۱۱ سخنرانی ایرادشده درجشن رسمی ۵ نوامبر ۱۹۷۷
بمناسبت سالگرد انقلاب اکتبر.
- ترون‌شین ۵۵ - ۲۳

www.KetabFarsi.com

www.KetabFarsi.com

در اثر حاضر دو مقاله به چاپ رسیده است .
یکی مقاله‌ای که توسط لهدوان دبیر کل کمیته
مرکزی حزب کمونیست ویتنام به مناسبت شصتمین
سالگرد انقلاب اکتبر نوشته شده است و دیگری
(متن) سخن رانی ترون شین، عضو دفتر سیاسی
و رئیس کمیته دائمی مجلس ملی که در جشن رسمی
پنجم نوامبر ۱۹۷۷ به مناسبت سالگرد انقلاب
اکتبر ایراد شده است .

انتشارات زبان‌های خارجی - هانوی

هیچ یک از رویدادهای تاریخ مانند پیروزی انقلاب
سوسیالیستی اکتبر روسیه تاثری چنین برجسته، عمیق و همه
جانبه بر فرآیند تکامل اجتماعی و سرنوشت همه ملل نگذاشته
است. این رویداد بزرگ سرآغاز عصری نوین بود. عصر گذار
بشریت از رژیم بردگی سرمایه - آخرین، رژیم بردگی در تاریخ -
به رژیم حاکمیت سوسیالیستی و حاکمیت جمعی کمونیستی، عصر
گذار از ضرورت به آزادی. لنین پس از ارزیابی نقش تاریخی
انقلاب اکتبر خاطر نشان کرد که امحاء سرمایه داری و بقایای آن
و استقرار مبانی نظم کمونیستی مضمون این عصر نوین تاریخ
جهان را که آغاز گردیده، تشکیل می دهد.

گذار انقلابی از سرمایه داری به سوسیالیسم که انقلاب اکتبر
آغازگر آن بود، اکنون به مدت شصت سال است که همچنان پیش
می رود و کشورهای و خلقهای هر چه بیشتری را به قلمرو خویش
می کشاند. سوسیالیسم از محدوده مرزهای یک کشور گذشته و
می رود که نظامی جهان گستر شود. موج عظیم جنبش های رهائی -
بخش به سقوط کامل نظام مستعمراتی امپریالیسم و تولد مجموعه ای
از کشورهای مستقل ملی انجامیده است. جنبش کارگران به
خاطر دموکراسی و سوسیالیسم در کشورهای سرمایه داری، به اشکال

۱- لنین، مجموعه آثار، جلد ۳۱، انتشارات حقیقت، هانوی،

گوناگون و با شدت هرچه بیشتر گسترش می یابد .

امپریالیزم هر دم نا توان تر و دستخوش بحران عمومی علاج - ناپذیری می شود . و نیز تغییری اساسی در تعادل نیروهای جهانی روی داده که بطور مدام توان و موقعیت استراتژیک تعرضی سه جریان انقلابی جهان را استحکام و نیرو می بخشد . چنین است سیمای عمومی نتایج عمدهٔ تکامل جهان از انقلاب اکتبر تا کنون .

انقلاب اکتبر به عنوان نقطه عطفی برای کل بشریت ، طبقه کارگر را در موقعیت کلیدی امروزین خود قرار داد . توده های وسیع زحمتکش و ملل ستم دیده و استثماری شده را بیدار کرد تا برای رهایی خویش از قید (جامعه) طبقاتی ، کسب استقلال ملی ، آزادی و حیثیت انسانی و حق تعیین سرنوشت خویش به مبارزه ای بی امان برخیزند .

ویتنام که زمانی تحت حاکمیت نظام فئودالی و امپریالیستی قرار داشت ، از جمله ملل مذکور بود . جنبش رهایی بخش ملی در ویتنام از نظر رهبری سیاسی با بحرانی عمیق مواجه بود ، اوضاع و احوال آنچنان تیره و تاریک بود که گریز از آن ناممکن بنظر می رسید ، اما ناگهان انقلاب اکتبر به سان غرش رعد فرا رسید .

م . ل . بعنوان انقلابی ترین ایدئولوژی عصر به همراه طوفان اکتبر به این سرزمین مشتعل و زیدن گرفت و با جنبش کارگری و جنبش میهن پرستانهٔ سنتی درآمیخت .

م . ل . تاسیس حزب کمونیست ویتنام را در پی داشت و توانست در سالهای ۳۱ - ۱۹۳۵ شعلهٔ سترگ احساسات و هیجان انقلابی کارگران و دهقانان را دامن زند و بدین طریق نقطهٔ عطف تعیین کننده ای در تاریخ مبارزات رهایی بخش ملت ویتنام ایجاد کند .

" برای رهایی کشور و آزاد کردن ملت راهی جز انقلاب

پرولتری وجود ندارد " و " تنها سوسیالیزم و کمونیزم قادرند ملل ستم دیده و خلقهای سراسر جهان را از بردگی رهایی بخشد. " چنین بود سخنان رفیق هوشی مین، و نخستین ویتنامی‌ای که به این حقیقت دست یافت. او بعدها به ما گفت که وقتی تنها در اطاقش نشسته بود، آنچنان از خواندن کتاب "تزهائی درباره" مساله ملی و استعماری" لنین به حرکت و هیجان درآمده و گویی که توده‌های راه حرکت می‌خواند، به سان رعد فریاد کشیده است، "هم میهنان عزیزا سیر، این است آنچه که بدان نیاز داریم، و این است راه رهایی!" راهی که از میهن پرستی به کمونیزم می‌انجامد و خطوط کلی آن توسط رفیق هوشی مین ترسیم شد برای یک نسل کامل از رزمندگان انقلابی ویتنام نقطه عطفی اجتناب ناپذیر و طبیعی در فرایند انقلاب ویتنام بود.

رهبری مبارزات رهایی بخش ملی در جهت انقلاب پرولتری و سوسیالیزم یک جهت گیری استراتژیک حزب کمونیست ویتنام بود و اساس تعیین این جهت گیری استراتژیک، تنظیم و ارزیابی صحیح از ارتباط میان طبقه کارگر و ملت؛ میان رهایی ملی و رهایی زحمتکشان در پرتوم ل. و انقلاب پرولتری بوده است. حزب، مساله وحدت میان رسالت تاریخی، بین المللی طبقه کارگر و وظایف ملی آن را بدرستی ارزیابی و حل کرده است. سهم بزرگ کارل مارکس این بود که با حرکت کردن از تحلیل اقتصادی و بویژه تحلیل شیوه تولید سرمایه داری، قوانین حاکم بر تکامل جامعه بشر را توضیح و نقش تاریخی، بین المللی

- ۱- هوشی مین، همواره راه لنین را پیش رو گیریم، انتشارات حقیقت، هانوی، ۱۹۷۵، صفحه ۵۱.
- ۲- هوشی مین، بخاطر استقلال و آزادی، بخاطر سوسیالیزم؛ انتشارات حقیقت، هانوی، ۱۹۷۵، صفحات ۲۲۸ و ۲۲۹.

طبقه کارگران نشان داد. از آنجا که طبقه کارگر با صنعت مدرن پیوند نزدیک دارد و آن شیوه نوین تولید را نمایندگی می‌کند، لذا پیشروترین طبقه اجتماعی عصر ما و تنها طبقه‌ای است که می‌تواند رهبری همه طبقات، همه اقشار زحمتکش و همه ملل ستم‌دیده و استعمار شده را در مبارزه با ظورهای و حق حاکمیت جامعه بدست گیرد.

می‌توان گفت که اکنون تاریخ مسائل حاد تعیین کننده‌ای را در رابطه با سرنوشت خلقها، ملل و بشریت به دوش طبقه کارگر گذاشته است: رهایی و استقلال ملی، پیشرفت و کامیابی، ملت، رهایی توده‌های زحمتکش و خوشبختی مردم، مبارزه در جهت نیل به دموکراسی و دفاع از آزادی و حیثیت انسانی و جز آن، چرا که طبقه کارگر به سبب وضعیت عینی و داشتن حزب سیاسی مسلح به م. ل. - تنها دکتترین علمی و انقلابی - قادر است طبق قوانین تکامل اجتماعی، راه حل صحیح تمامی دشواری‌ها را بیابد.

هر طبقه‌ای که به قدرت می‌رسد، باید به خودی خود نماینده ملت خویش باشد. و در عصر ما، هیچ طبقه‌ای جز طبقه کارگر نمی‌تواند نماینده ملت باشد. در کشورهای پرمایه‌داری و امپریالیستی، بورژوازی از مدت‌ها پیش ریشه‌های ملی خویش را از دست داده و در واقع به ضد ملت خود تبدیل شده است. در ممالک وابسته و مستعمرات قدیم مانند ویتنام، جدا کردن آنها بخشی از بورژوازی است که نظرات ناسیونالیسم اصلاح طلبانه خویش را موعظه می‌کند که آن نیز نهایتاً "و بطور اجتناب ناپذیری کشور را به دام استعمار نو می‌اندازد.

طبقه کارگر هر چند در کشورهای جداگانه‌ای زندگی می‌کند، اما خلقتاً "انترناسیونالیست" است. بنابراین "کشور خودی

عرصهٔ بلافصل مبارزات او می باشد و "میهن یعنی محیط اجتماعی، فرهنگی و سیاسی موجود، عامل بسیار نیرومندی در مبارزات طبقاتی پرولتاریا است".

طبقهٔ کارگر هر کشور با طبقهٔ کارگر تمام کشورهای دیگر اهداف مشترکی دارد. و در عین حال، طبقهٔ کارگر زادهٔ زحمتکشان کشور خویش است و با سرنوشت ملت خویش بعنوان یک کل، ارتباطی تنگاتنگ دارد. طبقهٔ کارگر قبل از هر چیز، باید سرمایه داری را که مستقیماً "در کشور خود، ملت و از جمله طبقهٔ کارگر را زیر سلطه دارد، براندازد، و تنها پس از آنست که می تواند سرمایه داری بین المللی را براندازد و در جهت تحقق رسالت تاریخی و جهانی خویش حرکت کند.

به همین دلیل است که کارل مارکس و فردریک انگلس در مانیفست حزب کمونیست عنوان کرده اند: از آنجا که پرولتاریا قبل از هر چیز باید به تفوق سیاسی دست یابد، لذا باید به مثابه طبقهٔ رهبری کننده ملت بپا خیزد و با خود ملت باشد و از این نظر، خود، اگرچه نه به معنی بسوزووازی کلمه، ملی است. " اکنون دیالکتیک مبارزه طبقاتی این است که بتوزووازی به بهانهٔ دفاع از منافع ملی، راه حل های بتوزووازی توأم با کوتاه نظری های طبقاتی خود را به مردم تحمیل می کند، که در واقع خلاف منافع ملی است. در حالی که طبقهٔ کارگر آشکاراً برنامهٔ طبقاتی خویش را در کشور ترویج می کند، برنامه ای که هم منافع واقعی ملت و هم منافع بین المللی طبقهٔ کارگر را

۱- کارل مارکس-فردریک انگلس آثار منتخب، جلد دوم، نقد بر نامه کوتا، انتشارات زبان های خارجی، مسکو، ۱۹۵۸، صفحه ۲۷.
 ۲- لنین، مجموعه آثار، جلد ۱۵، انتشارات حقیقت، هانوی، ۱۹۷۲، صفحه ۲۷۱.

۳- کارل مارکس-فردریک انگلس آثار منتخب، جلد اول، مانیفست حزب کمونیست، انتشارات حقیقت، هانوی، ۱۹۷۶، صفحه ۷۵.

بطور کامل منعکس می‌کند.

از آنجا که مشی سیاسی حزب کمونیست ویتنام - حزب طبقه کارگر ویتنام به درستی منافع طبقاتی را با منافع ملی درآمیخته، لذا کاملاً "به مثابه" پیشاهنگ رزمنده و رهبر تمامی ملت ویتنام شناخته شده است. حزب از زمان تاسیس اکثریت عظیم خلق و قبل از همه، دهقانان را به زیر پرچم خود - پرچم استقلال ملی بخاطر پیشرفت در جهت سوسیالیسم - گرد آورده است.

این حزب همواره در طی نیم قرن مبارزه خویش این پرچم را برافراشته نگاه داشته است. زمانی که تمامی ملت شاهد انقلاب ملی - دموکراتیک خلق بود و زمانی که دو وظیفه توأم و استراتژیک - انقلاب ملی - دموکراتیک خلق و انقلاب سوسیالیستی - همزمان دنبال می‌شد، و اکنون که سرزمین بومی ما کاملاً رهایی یافته، حزب کمونیست ویتنام همواره پرچم استقلال ملی و سوسیالیسم را در اهتزاز نگاه داشته است.

تلفیق استقلال ملی و سوسیالیسم اساسی ترین ویژگی مشی استراتژیک حزب کمونیست ویتنام است و توان و سرچشمه پیروزی انقلاب ویتنام نیز در همین نهفته است. و حزب ما به اتکای همین مشی توانست نیروهای سوسیالیسم را با میهن پرستی - که یک سنت دیرینه ملی است - درآمیزد و بسیج کند. حزب کمونیست ویتنام با مستحکم ترین و گسترده ترین شیوه‌ها تمامی نیروهای انقلابی و تمامی اقشار اجتماعی و تمامی میهن پرستان ویتنام را به سخن کوتاه، تمامی نیروهای ملت را برای این مبارزه حول خود بسیج کرده است. حزب ما با اتخاذ همین مشی موفق شده است منافع اساسی ملت یعنی استقلال ملی و سوسیالیسم را با اهداف حاد عصر تلفیق کند، و نتیجتاً "انقلاب ویتنام را از همکاری صمیمانه و حمایت و یاری نیروهای سوسیالیسم، و مبارزین راه استقلال ملی، دموکراسی و صلح در سراسر جهان

بهره مند سازد.

مشى تلفيق و برافراشتن پرچم استقلال مى و سوسياليزم به همان دليل بالابه انقلاب ويتنام نيروى خردکننده و پرتوان بخشیده است و همین است که شالوده، طرح شیوه های کارى و کامل، اما انعطاف پذیر انقلابى و نیز اشکال متنوع تلفيق مبارزات مسلحانه سياسى، جنگ انقلابى و قیام های توده اى، مبارزه در سه حوزه، استراتژیک - نواحى شهری، جلگه های روستائى و مناطق کوهستانى - مبارزه زیرزمینى و آشکار، مبارزه غیرعلنى، علنى و نیمه علنى، مبارزه توده اى و فعالیت های پارلمانى، مبارزه نظامى و دیپلماتیک محسوب مى شود.

ويتنام - که نه از سرزمین وسیع و نه از جمعیت کثیر برخوردار است - از برکت قدرت عظیم و به هم پیوسته داخل و خارج که نتیجه، مشى و شیوه های صحیح انقلابى بود، توانست دو قدرت امپریالیستى - فرانسه و ایالات متحده - را که فرایند زوال نظام استعمارى و فرایند ورشکستگى اجتناب ناپذیر استعمار نوراطى مى کردند، شکست دهد.

انقلاب ويتنام به دنبال پیروزی کامل و سراسرى در جنگ مقاومت علیه تجا و زامریکا، در مسیر پیشرفت سوسياليزم گام نهاد. اما اکنون این گام ها در سطح مى برداشته مى شود. اکنون که وطن عزیز ويتنامى ها مجدداً "به وحدت رسیده و از وجود تمامى متجا و زین پاک شده است، آنها بیش از پیش آگاه شده اند که استقلال مى و سوسياليزم، تفکیک ناپذیرند. اکنون عشق به وطن به معنای عشق به سوسياليزم، و نیز عشق به صرف تمامى شور، قدرت، هوش و استعداد خود در جهت ساخت میهن واحد سوسيالیستى ويتنام است.

برای ما، استقلال و وحدت پیش شرط های رهبرى تمامى کشور به سوى سوسياليزم است و در مقابل، سوسياليزم نیز ضامن استحکام

استقلال و وحدت است. در عرض ما، تصور استقلال و وحدت جدا از سوسیالیسم امکان پذیر نیست و استقلال و وحدت هم چنانچه مبتنی بر سوسیالیسم نباشد، سخن نمی توان گفت، و تنها با حرکت در جهت سوسیالیسم و تنها از طریق سوسیالیسم است که می توان بطور کامل و مشخص مسألهء وحدت و استقلال ملی را حل کرد. مسألهء استقلال و وحدت برای ملت ویتنام هزاران سال است که مسأله مرگ و زندگی بوده است.

تنها زمانی می توان به استقلال ملی حقیقی دست یافت که خلق حق حاکمیت بر جا معه را داشته باشد. مسلماً سوسیالیسم می تواند مسألهء استقلال ملی را حل کند، چرا که کامل ترین و عالی ترین سیستم دموکراتیک خلق است. در عصر کنونی، برای زحمتکشان هیچ گونه دموکراسی حقیقی و عامی وجود ندارد و نمی تواند وجود داشته باشد، مگر دموکراسی سوسیالیستی، چرا که تنها سوسیالیسم قادر است عملی ترین، مناسب ترین، همه جانبه ترین و کامل ترین دموکراسی را فراهم آورد. و این مهم از طریق پایان دادن به استثمار انسان از انسان و استقرار و پیشبرد پیوسته حاکمیت جمعی زحمتکشان در همه جوانب زندگی اجتماعی، تحقق می یابد. در این متن، مفهوم دموکراسی صرفاً "حقوق یک شهروند یا حقوق اعلام شده از بالا نخواهد بود، بلکه خود خلق تحت رهبری حزب، حاکمیت خویش را از طریق ساخت اجتماعی و سیستم روابط سازمانی در تمام زمینه ها - سیاسی، اقتصادی و فرهنگی - اعمال می کند. دیکتاتوری پرولتاریا اساساً "حق حاکمیت جمعی زحمتکشان بر پایه اتحاد کارگر-دهقان به مثابه هستهء مرکزی آن، تحت رهبری حزب طبقهء کارگر است، که از کابال دولت که توسط خود خلق تشکیل و کنترل می شود، اعمال می گردد. دیکتاتوری پرولتاریا رژیم حاکمیت جمعی سوسیالیستی است، دموکراسی است که "یک میلیون مرتبه دموکراتیک تر از هر نظام

دموکراتیک دیگر است" و طبق پیشگویی لنین "کامل ترین دموکراسی ای است که با هر نوع دموکراسی ناقص دیگر کیفیتاً متفاوت است"، مرحله‌ای عالی‌تر از تکامل دموکراسی است؛ همان "دموکراسی اولیه [دموکراسی خام و خودانگیخته] جامعه اشتراکی اولیه [است]، که بر اساسی متفاوت و بسیار عالی‌تر پایه‌گذاری شده است". این رژیم نیز یک "جامعه اشتراکی اصیل"^۳ است که ضامن آزادی فردی و حق حاکمیت واقعی است. همان‌طور که کارل مارکس و فردریک انگلس عنوان کرده‌اند "تنها در جمع است که می‌توان امکانات تکامل همه‌جانبه استعدادهای طبیعی خود را در اختیار داشت؛ و تنها در جمع است که آزادی فردی می‌تواند وجود داشته باشد."

بنیان نظام حاکمیت جمعی سوسیالیستی، یک ساخت منطقی اقتصادی است که نیازهای مادی و فرهنگی خلق را بیش از پیش به اتکای تولید مدام تکامل یا بنده، با استناد رده‌های هر چه مترقی‌تر فنی، برآورده می‌سازد. بدون چنین ساختی، نه دموکراسی واقعی می‌تواند وجود داشته باشد و نه حاکمیت جمعی واقعی.

این ساخت اقتصادی در ویتنام همانا ساخت صنعتی - کشاورزی تولید بزرگ سوسیالیستی است که در کنگره^۴ چهارم حزب کمونیست ویتنام مورد حمایت واقع شده و اکنون از طریق همکاری و تلاش‌ها می‌خلق در حال تکوین است. حاکمیت جمعی سوسیالیستی همانا نظام حاکمیت زحمتکشان به رهبری و نمایندگی طبقه کارگر است. حاکمیت جمعی سوسیالیستی تنها از موضع طبقه کارگر می‌تواند اعمال شود. در گذشته، موضع طبقه کارگر ویتنام، مبارزه به خاطر رهائی ملی بود، و امروز

۱ و ۲ - لنین. مجموعه آثار، جلد ۳۳، چاپ ویتنام، انتشارات پروگرس، مسکو، ۱۹۷۶، صفحه ۳۲۳.

۳ - کارل مارکس - فردریک انگلس، فوئرباخ، تضاد بین ایده‌آلیزم و ماتریالیزم دیاکتیک، انتشارات حقیقت، هانوی، ۱۹۷۷، صفحه ۱۳۴.

این موضع تحقق جا کمیت جمعی خلق، بنای موفقیت آمیز سوسیالیسم و تامین رفاه و سعادت برای میهن و تمامی خلق است. تحت رهبری طبقه کارگر، نظام جا کمیت جمعی، اتحاد کارگر-دهقان و اتحاد کارگران و دهقانان و روشنفکران سوسیالیست به مثابه هسته مرکزی تلقی می‌شود. دهقانان ویتنام که خطتاً "میهن-پرستانی پرشورند، در زمان چندین دهه حیات حزب کمونیست، صادقانه از طبقه کارگر تبعیت کرده‌اند، و از این طریق به استقلال ملی و زمین رسیده‌اند. دهقانان تحت رهبری و همراه و دوشادوش طبقه کارگر به صورت حکام جمعی تمام می‌کشور و تمامی جنبه‌های زندگی اجتماعی درآمده‌اند.

تنها با برقراری نظام جا کمیت جمعی توسط کارگران و دهقانان و روشنفکرانی که با کارگران و دهقانان در پیوند نزدیکند، قادر خواهیم بود از طریق ساخت صنعتی - کشاورزی مدرن، اقتصاد خود را از تولید کوچک به تولید بزرگ سوسیالیستی توسعه و تکامل بخشیم. و برعکس، تنها از طریق پیوند ساخت صنعتی - کشاورزی مدرن با تولید بزرگ است که می‌توانیم پایه مادی تقویت اتحاد کارگر-دهقان و نظام جا کمیت جمعی سوسیالیستی را فراهم کنیم.

ساخت صنعتی - کشاورزی مدرن یک چهارچوب یکپارچه سراسری ملی است که اقتصاد مرکزی و اقتصادهای محلی را در بطن خود جای می‌دهد. سیاست توأم نمودن بنای اقتصاد مرکزی با گسترش اقتصاد محلی، از نیازهای عینی و ضروری فرایند تکوین بلاواسطه تولید کوچک به تولید بزرگ سوسیالیستی، نتیجه می‌شود. این سیاست ضامن تمرکز و یکپارچگی اقتصاد سوسیالیستی همراه با بکار انداختن روح ابتکار و خلاقیت مناطق و اجتماعات روستائی است. این سیاست بهترین شیوه استفاده از کلیه منابع طبیعی و منابع انسانی اجتماعی، و نیز توزیع معقول و منطقی مجدد نیروی کار اجتماعی در بعد ملی و منطقه‌ای آن محسوب می‌شود.

این سیاست بهترین شیوه تلفیق کار با موضوعهای کار، توسعه پیشه‌ها و صناعات، افزایش سریع بازدهی اجتماعی کار و ارضاء نیازهای روزافزون مادی و فرهنگی خلق، از نیاز عمومی تمامی کشور به اجناس مصرفی گرفته تا نیازهای متنوع جمعیت‌های محلی، بر پایه امکانات منابع طبیعی ما و ویژگی‌ها و عملکردهای هر منطقه است. بنای اقتصاد مرکزی، همراه با گسترش اقتصادهای محلی جهت عملی کردن و ارتقاء حق زحمتکشان در حاکمیت جمعی سوسیالیستی در بعد ملی و محلی یا هر اجتماع روستایی اقدامی ضروری خواهد بود.

از آنجا که ویتنام کشوری نیمه فئودال و مستعمره بوده، و اکنون بدون گذار از مرحله تکامل سرمایه‌داری مستقیماً به سوی سوسیالیسم پیش می‌رود، لذا باید جامعه سوسیالیستی را از بالاترین پایه‌ها ایجاد کند. باید هم نیروهای مولد نوین و هم روابط تولیدی نوین را ایجاد کنیم، ما باید در جریان ساخت زندگی مادی، معنوی و فرهنگی نوین، زیربنای اقتصادی نوین و روبنای نوین را ایجاد کنیم. بدین جهت است که فرایند انقلاب سوسیالیستی ویتنام؛ فرایندی از تغییر دائمی، همه جانبه، عمیق و کاملاً انقلابی است. این فرایند در حالی که ساختمان (سوسیالیسم) جنبه عمده آن را تشکیل می‌دهد، اما فرایند تلفیق تنگاتنگ انتقال با ساختمان، و ساختمان از طریق انتقال است. این فرایند، فرایند استحکام بخشیدن به دیکتاتوری پرولتاریا و تحقق حق حاکمیت جمعی زحمتکشان و انجام انقلاب سه‌گانه است: انقلاب در روابط تولید، انقلاب علمی و فنی، انقلاب فرهنگی و آیدئولوژیک که انقلاب علمی و فنی نقش محوری را دارد. با تحقق انقلاب سه‌گانه، گام به گام نظام حاکمیت جمعی سوسیالیستی، تولید بزرگ سوسیالیستی، فرهنگ نوین و خلق نوین سوسیالیستی را ایجاد خواهیم کرد.

این سه انقلاب نه می‌توانند از یکدیگر جدا شوند و نه می‌توانند بطور مجزا انجام گیرند، بلکه باید بطور هم‌زمان و در پیوند نزدیک با یکدیگر تحقق یابند. همین‌طور، نظام حاکمیت جمعی سوسیالیستی، تولید بزرگ سوسیالیستی، فرهنگ نوین و خلق نوین سوسیالیستی با یکدیگر پیوند تنگاتنگ دارند و تحت تاثیر یکدیگرند. در این ارتباط، هر جنبه در عین حال هم شرط و هم نتیجه جنبه‌های دیگر است.

استفاده بجا و دیالکتیکی از کلیه این مناسبات و تاثیرات متقابل این سه انقلاب، نظام نوین، اقتصاد نوین، فرهنگ نوین و خلق نوین ما را در ایجا د قدرت عظیم اجتماعی (لازم) برای تسریع تولید جامعه در کل و جزء آن یاری خواهد داد و نیز به ما کمک خواهد کرد تا بدون گذار از مرحله تاریخی شکنجه آور سرمایه‌داری، پیشروی بلاواسطه از تولید کوچک به سوسیالیسم را سرعت بخشیم. می‌توان گفت پیشروی با تمام نیرویی از ویژگی‌های اصیل انقلاب ویتنام در مبارزه طولانی برای کسب استقلال ملی و ساختمان و انقلاب سوسیالیستی است. تنها سوسیالیسم می‌تواند آرزوی دیرینه زحمتکشان برای رهایی نهائی از قیدستم و استثمار، سرمایه‌گرایی و سایر بدبختی‌ها، برای کسب زندگی شادی بخش و متمدن و به دور از ترس از آینده را، تحقق بخشد. و تنها سوسیالیسم است که می‌تواند کشور ما را از یک اقتصاد مدرن، علم و فرهنگ پیشرفته، دفاع ملی مستحکم برای پاسداری از استقلال و آزادی و پیشرفت مدام به سوی کامیابی، برخوردار سازد. تنها سوسیالیسم و کمونیسم قادرند آزادی واقعی را برای خلق به ارمغان آورند و آنها را قادر سازند تا عالی‌ترین و کامل‌ترین درجه حق حاکمیت خود را بر جامعه، طبیعت و خویشتن اعمال کنند.

به این ترتیب، استقلال ملی با کامیابی خلق و حق او در حاکمیت جامعه پیوند نزدیک دارد. استقلال ملی و نیز کامیابی

خلق و حاکمیت او بر جا معه تنها بر پایه سوسیالیسم قابل تحقق است. تنها راه حل تمامی مسائلی که در فرایند تکامل جامعه و کشور بروز می‌کند، سوسیالیسم است. تنها سوسیالیسم است که می‌تواند ویتنام را در ردیف ملل پیشاهنگ عصر قرار دهد. کنگره چهارم حزب کمونیست ویتنام مشی سیاسی و هدف‌های مشخص را برای تحقق همین وظایف تدوین و تنظیم کرده است. این مشی و این اهداف بیانگر آرزوها، منافع و اراده خلقند. تمامی خلق ویتنام در جهت اجرای این مشی و تحقق این اهداف در تلاشی پی‌گیرند. آنها ایمان دارند که پیروز خواهند شد. در آینده‌ای نزدیک، دومین برنامه پنج‌ساله دولتی را عملی خواهیم کرد و در عرض چند دهه بطور اساسی ساختمان پایه فنی و مادی سوسیالیسم را در کشورمان تکمیل خواهیم نمود.

در تاریخ نظام اجتماعی، شصت سال لحظه‌ای بیش نیست. و حتی خوشبینانه‌ترین پیشگوئی‌ها و جسورانه‌ترین رویاهای شصت سال پیش در مقایسه با آنچه که سوسیالیسم در اتحاد شوروی و اکناف جهان تحقق بخشیده، چندان زیاد بنظر نمی‌رسد. خلق شوروی تحت رهبری حزب لنین، شگفت‌انگیزترین دستاوردها را در سرزمین انقلاب اکتبر لنین کبیر، ثبت کرده است. اتحاد شوروی که زمانی کشوری عقب مانده بود، اکنون به یک کشور سوسیالیستی نیرومند تبدیل شده است. اقتصاد، فرهنگ، علم و تکنولوژی اتحاد شوروی در زمره پیشروترین کشورهای جهان قرار دارد. زندگی خلق شوروی واقعاً "شادی بخش است و فعال‌ترین روابط اجتماعی خلق در آنجا حاکم است."

قانون اساسی جدید اتحاد جماهیر شوروی سوسیالیستی رسماً همه دستاوردهای عظیم اتحاد شوروی را مرهون اتمام ساختمان

سوسیالیزم پیشرفته می‌داند و نشانگر عصر نوینی در جامعه شوروی است، عصر گذار اتحاد شوروی به کمونیسم. خلق شوروی با تحقق انقلاب اکتبر و فعالیت‌های برجسته جهان گسترخویش در جنگ ظفر نمون علیه فاشیزم که در تاریخ جنگ دوم جهانی به ثبت رسیده و با اقدامات شگفت‌انگیز خویش در زمینه کار خلاق، کمک موثر و شایانی به انقلاب‌های دیگر نقاط جهان کرده است و لذا سهم بسزایی در مبارزات خلقها جهت کسب آزادی داشته و خدمات بزرگی برای پیشرفت تمامی بشریت انجام داده است.

تاکنون بیش از سی سال است که دیگر کشورهای سوسیالیستی مانند اتحاد شوروی در ساختمان جامعه نوین به سرعت پیش رفته‌اند. تاکنون اکثر این کشور پایه سوسیالیزم را بنا نهاده‌اند و اکنون در آستانه ورود به عصر ساختمان جامعه سوسیالیستی پیشرفته هستند. روابط تولید سوسیالیستی که در اقتصاد ملی نقش مسلط را دارند، همواره بهبود یافته‌اند و برتری خود را هرچه بیشتر محرز ساخته‌اند. رشد سریع و مستمر تولید هم‌چنان ادامه دارد. پایه فنی و مادی نظام نوین همواره استحکام و نیروی بیشتری یافته است. فرهنگ و علم اوج فزاینده‌ای گرفته‌اند، نیروهای دفاع ملی تقویت شده‌اند و زندگی مادی و فرهنگی خلق با گذشت هر روز پیشرفت تازه‌ای حاصل کرده است. تمدن کمونیستی بیش از پیش به روشنی در یک سوم جهان در حال شکل‌گیری است و دائماً "تمامی گوشه‌های کره" خاک را روشنایی می‌بخشد. در این بخش از جهان، رژیم اپتثما را انسان از انسان، ستم و تبعیض نژادی از میان رفته است و از بحران‌های اقتصادی، بیکاری، رنج و مشقت ناشی از قحطی و سرما و جاهلیت خبری نیست. در فرآیند زندگی اجتماعی، نوعی مناسبات کاملاً نوین میان انسان‌ها برقرار شده است، مناسباتی که حاکی از دموکراسی، برابری، همکاری، همیاری متقابل بر پایه

رفاقت، دوستی و برادری است. به موازات پیشرفت هر چه بیشتر جامعه، شرایط بیش از پیش مناسب و مساعدتری برای تکامل آزاد همه جانبه شخصیت، و افزایش مداوم کامیابی خلق، حیثیت انسانی و حق حاکمیت جامعه، فراهم می‌گردد.

تا ریخ جهان، بیش از پیش تباین نظام کشورهای سوسیالیستی را که مداوم نیرومندتر می‌شوند، با نظام امپریالیسم که آکنده از تضادی آشتی ناپذیر استم، استثم روش رت است - و دنیای کهنه‌ای است که محکوم به زوال قطعی است - به طرز برجسته تر آشکار می‌سازد. نظام سوسیالیستی همراه با تمامی نیروهای انقلابی که هم اکنون برای نیل به سوسیالیسم مبارزه می‌کنند، تاثیر خویش را به مثابه عاملی تعیین کننده در تکامل جامعه بشر بیشتر نمودار ساخته است. وقایع تاریخی عصر ما همواره حقیقتی بزرگ را که استقلال ملی، دموکراسی و سوسیالیسم ارتباط تنگاتنگ و نزدیکی دارند، آشکارتر ساخته است. این حقیقت که از انقلاب اکتبر برخاسته است، در دوره عظیم گذار از سرمایه‌داری به سوسیالیسم در مقیاس جهانی مدلل شده است.

(تلاش برای بنای سوسیالیسم و کمونیسم در نظام کشورهای سوسیالیستی، مبارزه برای استقلال ملی، و مبارزه طبقه کارگر و دیگر زحمتکشان در کشورهای سرمایه‌داری، سه جریان عظیمی هستند که بر روی هم موج‌زاینده انقلابی نیرومند عصر ما را تشکیل می‌دهند. تلفیق این سه جریان و تشکیل یک قدرت جمعی جهت تعرض به امپریالیسم از تمامی جوانب و با توسل به تمامی شیوه‌ها و وسایل، آن را کاملاً عقب خواهد راند و تدریجاً "به سقوط خواهد کشاند و نهایتاً شکست کامل آن را جهت کسب اهداف بزرگ عصر یعنی صلح، استقلال ملی، دموکراسی و سوسیالیسم تضمین خواهد کرد. این جریان، اساس استراتژی ای است که از جنگ جهانی دوم با موفقیت بسیار بکار گرفته شده است. و این در

عصر ما بیان درخشان م. ل. است، تئوری ای انقلابی با خصلتی فوق العاده ستیزنده، علمی و خلاق که نیروهای مادی عظیمی را برای دگرگون کردن تمامی جهان فراهم می آورد.

انقلاب ویتنام که جزء مکمل انقلاب جهانی است، همواره از حمایت و کمک فراوان ویرارزش انقلاب جهانی برخوردار شده است. انقلاب ویتنام پس از پیروزی های مکرر در مبارزه برای استقلال ملی و سوسیالیسم، همواره به پیش رفته است. حزب کمونیست ویتنام افتخار می کند که از بدو تولد خویش و تجارب غنی خود در طول نیم قرن مبارزه که به پیروزی کامل ختم شد، همواره حزب انترناسیونالیسم پرولتری بوده است. حزب کمونیست ویتنام با وفاداری ماندن به این سنت همواره همچون گذشته بر اساس اندیشه های والای لنین درباره انترناسیونالیسم عمل خواهد کرد؛ ما هر آنچه را که در توان داریم، به هر طریق ممکن برای انقلاب خویش و حمایت از مبارزه انقلابی همه کشورهای دیگر بکار خواهیم گرفت.

حزب کمونیست ویتنام در حالی که پرچم استقلال ملی و سوسیالیسم را تواما "برافراشته نگاه می دارد، پیمان می بندد که دوشادوش همه احزاب برادر و همراه کلیه نیروهای مترقی و انقلابی به وظایف ملی و بین المللی خویش عمل نماید و در جهت تحقق موفقیت آمیز هدفی بزرگ و جهانی که انقلاب کمیراکتبر سر آغاز آن بود، گام بردارد.

شصتمین سالگرد انقلاب کبیر سوسیالیستی اکتبر

ترونین

www.KetabFarsi.com

حضرت رئیس جمهور تون داک تانگ^۱

میهمانان گرامی:

دوستان و رفقای عزیز:

امروز، ما در کنار خلق شوروی برادری و تعامی بشریت مترقی، شصتمین سالگرد انقلاب سوسیالیستی اکتبر را جشن می‌گیریم؛ بزرگترین انقلابی که راه طبقه کارگر و خلقهای زحمتکش و ملل ستمدیده جهان را جهت‌رهایی و بنای زندگی آزاد و سعادت‌مند هموار کرده است.

در این روزهای بزرگ جشن، خلق ویتنام به دیگر خلقهای کشورهای سوسیالیستی برادری و زحمتکشان سراسر جهان می‌پیوندد تا اعتماد و سپاس خود را نسبت به اتحاد شوروی، سرزمین لنین کبیر و انقلاب اکتبر اظها ردارد.

این جشن هنگامی برگزار می‌شود که خلق ما تحت رهبری حزب کمونیست ویتنام به کسب استقلال و اتحاد ملی نائل آمده و فعالانه به قطعنامه کنگره چهارم حزب در جهت بنای ویتنام سوسیالیست، متحد، مستقل و صلح‌دوست جامعه عمل می‌پوشاند.

از جانب کمیته مرکزی حزب کمونیست ویتنام، مجلس ملی و حکومت جمهوری سوسیالیستی ویتنام و خلق ویتنام صمیمانه ترین درودهای خود را به کمیته مرکزی حزب کمونیست اتحاد شوروی، شورای عالی حکومت و تمام خلق اتحاد شوروی می‌فرستیم و صمیمانه ترین پیروزی‌های هر چه عظیم‌تر خلق شوروی را در جهت بنای شالوده فنی و مادی کمونیسم، آرزو می‌کنیم.

درودصمیمانه ما به رفیق شاپلین^۱، عضو علی‌البدل کمیته مرکزی حزب کمونیست اتحاد شوروی و سفیر مختار اتحاد جماهیر شوروی سوسیالیستی در ویتنام.

۱ درودهای صمیمانه ما به هیأت نمایندگی حکومت شوروی تحت ریاست کیچانتزه^۲، نایب اول رئیس شورای وزیران جمهوری سوسیالیستی گرجستان شوروی و درودصمیمانه ما به هیأت نمایندگی شورای انجمن‌های دوستی و روابط فرهنگی با کشورهای خارجی و انجمن دوستی شوروی - ویتنام تحت ریاست ژنرال تیتوف^۳، رئیس کمیته مرکزی انجمن دوستی شوروی - ویتنام، فضا نورد و قهرمان شوروی.

و درودصمیمانه ما به رفقا و متخصصین شوروی در ویتنام که برای شرکت در این جشن مهم به اینجا آمده‌اند.



دوستان و رفقای عزیز:

روسیه سرزمینی پهناور با جمعیتی انبوه و ثروت طبیعی فراوان بود، اما تحت یک سلطنت خودکامه در زمره عقب مانده ترین کشورهای اروپا باقی مانده بود و زحمتکشان و ملل ستمدیده آن در شرایط اندوهناک و رورقت انگیزی روزگار می‌گذرانیدند. سرمایه‌داری تا پایان قرن نوزدهم در روسیه گسترش می‌یافت و طبقه کارگر روسیه به سرعت رشد می‌کرد و بی‌رحمانه استثمار می‌شد. روسیه دستخوش تضادهای اساسی زیر بود: تضاد میان پرولتاریا و طبقه سرمایه‌دار، تضاد میان دهقانان و اربابان،

B.N. Shaplin - ۱

S.D. Kichantze - ۲

G.S. Titov - ۳

تضاد میان ملیت‌های کشور با دولت‌تزاری و تضاد میان خود امپریالیست‌ها، مارکسیزم در روسیه ترویج می‌شد و نخستین گروه‌های مارکسیستی پدید می‌آمدند. و.ا.لنین در یکی از این گروه‌ها به نام "اتحاد برای رهایی طبقه کارگر" فعالیت می‌کرد. او که مارکسیستی نابغه، و با تجربه‌ترین رهبر جنبش انقلابی روسیه بود، مدتی بعد رهبر جنبش بین‌المللی کمونیستی شد.

رشد جنبش انقلابی روسیه و مبارزه مارکسیست‌های انقلابی در "اتحاد برای ..." به تاسیس حزب پرولتاریای روسیه، حزب سوسیال دموکراتیک کارگران روسیه، انجامید. و.ا.لنین در پیرویه مبارزه علیه تمامی نظرات خرده‌بورژوازی، اپورتونیستی و فرمیستی که در میان پرولتاریای روسیه شیوع یافته بود، فعالانه مشی مارکسیستی و انقلابی حزب مستقل پرولتاریا را تدوین کرد.

در دومین کنگره حزب سوسیال دموکراتیک کارگران روسیه که در سال ۱۹۰۳ برگزار شد، مبارزه میان اکثریت به رهبری لنین و اقلیت به رهبری مارتف به انشعاب انجامید و حزب بلشویک روسیه (که اکنون حزب کمونیست اتحاد شوروی است) برپایه مشی صحیح سیاسی و سازمانی لنین که از جانب اکثریت در کنگره پذیرفته شده بود، تاسیس شد.

در سال ۱۹۰۵، اولین قیام مسلحانه در مسکو بوقوع پیوست و سراسر کشور را در بر گرفت، و علی‌رغم شکست آن، مورد تمجید بسیار لنین قرار گرفت؛ "اگر تمرین عمومی سال ۱۹۰۵ نبود، انقلاب ۱۹۱۷ پیش نمی‌آمد." در سال ۱۹۱۴، جنگی امپریالیستی آغاز شد. روسیه در کنار متفقین علیه امپریالیزم آلمان می‌جنگید.

حزب بلشویک به رهبری لنین میان جنگ های عادلانه و غیر عادلانه تفاوت قائل شد، اپورتونیست ها و سوسیال شوونیست ها را که از جنگ غیر عادلانه امپریالیست های کشورشان حمایت می کردند، افشا کرد. برخلاف سوسیال شوونیست ها که از میهن سرمایه داری خود دفاع نمی کردند، شعار و.ا. لنین چنین بود: "جنگ امپریالیستی را به جنگ انقلابی داخلی مبدل کنید،" در فوریه ۱۹۱۷، موج اعتصابات سیاسی متعدد پرولتاریا تحت شعارهای "نان!"، "نابود باد جنگ!"، "نابود باد حکومت استبدادی!" آغاز شد که به قیامی پیروز مندانه انجامید، به رژیم تزاری پایان داد و شورای کارگران، دهقانان و سربازان را مستقر ساخت، اما سرمایه داران و مرتجعین که اکثریت پارلمانی را حائز بودند، در برابر انقلاب، دولت موقت را تشکیل دادند. در نتیجه، روسیه صاحب حاکمیت دوگانه - سرمایه داری و شورایی - شد.

لنین در آوریل ۱۹۱۷، "تزه های آوریل" معروف را طرح کرد که روشنایی بخش گذار از انقلاب بورژوازی سرمایه داران به انقلاب سوسیالیستی روسیه شد. در ژوئیه ۱۹۱۷، ششمین کنگره حزب بلشویک روسیه جهت تسخیر قدرت تصمیم به اتخاذ شیوه مبارزه مسلحانه گرفت، و شعار "تمامی قدرت بدست شوراها" را جامعه عمل پوشانید.

بسیج توده های وسیع خلق از جانب حزب بلشویک روسیه جهت عملی کردن شعار با لامستلزم فعالیت نبوغ آسای و.ا. لنین و کمونیست های روسیه بود که موفق شدند جنبش کبیرا انقلابی روسیه در آن زمان را به نیروی همگانی تبدیل کنند و انقلاب سوسیالیستی روسیه را به پیروزی شکوهمند رسانند؛ جنبش سوسیالیستی پرولتاریا علیه سرمایه داری؛ جنبش دموکراتیک دهقانان علیه اربابان زمیندار برای انتقال زمین به کسانی که آن را می کارند؛ جنبش رهاشی بخش

خلقهای تحت ستم علیه امپریالیسم روسیه؛ و جنبش علیه جنگ امپریالیستی در جهت برقراری صلح.

شب ششم نوامبر سال ۱۹۱۷ (مطابق با بیست و چهارم اکتبر ۱۹۱۷ از تقویم قدیمی روسیه) رزمناو "سحرگاه" بر روی کاخ زمستانی در پتروگراد آتش گشود. سپس کارگران و سربازان انقلابی به آن تاختند و وزیرای دولت موقت کرنسکی را دستگیر کردند.

در هفتم نوامبر ۱۹۱۷ (۲۵ اکتبر ۱۹۱۷ از تقویم قدیمی روسیه) کنگره دوم شوراها، قدرت دولتی را به شوراهای کارگران دهقانان و سربازان سپرد و حکومت شورائی سراسر روسیه را انتخاب کرد و ساختمان قدرت شورائی را در سراسر کشور آغاز کرد.

انقلاب سوسیالیستی اکتبر روسیه پیروز شد. دولت شوروی مستقر شد.

انقلاب اکتبر بسان روشنائی آذرخش آبری سنگین و طوفان را که بر روزگار خلقها سیاهی و سایه افکنده بود، از هم شکافت. و افق نوین و بس باشکوه را در برابر طبقه کارگر، زحمتکشان و ملل ستم دیده، نه تنها در روسیه، بلکه در همه کشورها گشود.

دوستان و رفقای عزیز، در طی شصت سالی که از انقلاب اکتبر می گذرد، در جهان دگرگونی های ژرفی روی داده است؛ سرمایه داری جهانی دستخوش بحران شدید و برگشت ناپذیری شده؛ سوسیالیسم بودن وقفه توسعه و رشد یافته است. اتحاد شوروی با گام های عظیم به پیش می رود، قدرت نظامی و اقتصادی عظیمی حاصل کرده؛ بشریت را در جنگ جهانی دوم از فاشیسم رهایی بخشیده و به دستاوردهای شگفت انگیزی در زمینه کار تولیدی، علم، تکنولوژی، فرهنگ و زمینه های اجتماعی نائل

آمده است .

اتحاد شوروی در مدتی کمتر از یک ماه می توانستند معادل تمامی تولید سال ۱۹۲۶ فرآورده اجتماعی داشته باشد . فرآورده صنعتی شوروی در مقایسه با سال ۱۹۱۷ به ۲۲۵ برابر افزایش یافته ، هم اکنون به یک پنجم کل فرآورده های صنعتی جهان بالغ شده است . اتحاد شوروی ، ایالات متحده را پشت سر گذاشته است و در فرایندهای تولیدی متعدد ، در رشته های عمده ای از قبیل فولاد ، مواد نفتی ، زغال و سیمان ، در صدر کشورهای جهان قرار دارد .

در طی شصت سال گذشته ، فرآورده های کشاورزی شوروی ۴/۴ برابر شده و شالوده های مادی و فنی کشاورزی همواره رشد یافته است .

آهنگ رشد توان اقتصادی شوروی در دهه اخیر دو برابر آهنگ آن در تمامی پنجاه سال گذشته بوده است .

اتحاد شوروی با رشد و پرورش پیوسته کادرهای علمی و فنی (که اکنون بالغ بر ۱/۳ میلیون یا یک چهارم تمامی چین کادرهای درجهان است) توانسته است قله های بسیاری را در زمینه علم و تکنولوژی فتح کند . شوروی نخستین کشوری بود که قمر مصنوعی را در مدار زمین قرار داد و نخستین کشوری بود که راه فضا را بروی بشریت گشود .

سطح زندگی مردم شوروی مدام ارتقاء یافته است . در مقایسه با سال ۱۹۱۳ ، درآمدهای واقعی سرانه کارگران تا به ابرابر و درآمدهای مدرسه دهقانان تا ۱۴ برابر افزایش یافته . در سال ۱۹۶۳ حدود ۱۴/۹ میلیون متر مربع خانه سازی شده ، در حالی که در ۱۹۷۷ این رقم از ۱۱۰ میلیون متر مربع تجاوز کرده است .

اتحاد شوروی ۸۶۲/۰۰۰ پزشک یعنی $\frac{1}{3}$ کل پزشکان جهان را در اختیار دارد و مدتهاست که امکانات درمان پزشکی را یگان را

فراهم نموده است. این پیشرفت مادی و معنوی فاصله میان زندگی معنوی شهروروستا، و فاصله بین کارکنان فکری ویدی را کاهش داده است.

اتحاد شوروی در دوره‌ای نسبتاً "کوتاه گام‌های بلندی برداشته است. بطوری که رفیق ل.ی. برژنف در کنفرانس بیست و پنجم حزب کمونیست اتحاد شوروی عنوان کرد: "شش دهه کمتر از میانگین عمر انسان است، اما در همین مدت کشور ما مسافتی را که می‌بایست قرن‌ها می‌پیمود، طی کرده است."

در هفتم اکتبر گذشته، شورای عالی، قانون اساسی جدیدی را تصویب کرد و پس از ارزیابی دستاوردها - حاصله در زمینه ساختمان جامعه سوسیالیستی پیشرفته، سمت‌گیران در جهت جامعه کمونیستی بی‌طبقه را تنظیم کرد. در قانون اساسی جدید دولت شوروی وسیع‌ترین حقوق دموکراتیک شهروندان را تضمین کرده است. عالی‌ترین آزادی مردم شوروی، حاکمیت بر جامعه، حاکمیت بر کشور، و بسیاری حقوق سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فردی است که حق کار کردن، انتخاب حرفه، مسکن، استراحت، بهداشت و آموزش و پرورش از آن جمله است.

شادی ناشی از تصویب قانون اساسی جدید به هم‌چشمی فعال میان مردم شوروی برای کسب دستاوردهای نوین دامن زده و آنان را واداشته که ضمن گرامی داشت شصتمین سالگرد انقلاب اکتبر، هم‌چنان استوار به سوی کمونیسم، آرزوی باشکوه بشریت مترقی، به پیش روند.

پس از پیروزی بزرگ اتحاد شوروی بر فاشیسم، یک رشته دموکراسی‌های خلقی از جمله دموکراسی‌های خلق در اروپای شرقی، چین، کوره و ویتنام، ایجاد شد.

پیروزی انقلاب چین و تأسیس جمهوری خلق چین با جمعیت تقریبی ۸۰۰ میلیون نفر، تعادل نیروهای جهانی را به سود

انقلاب برهم زد .

پیروزی انقلاب کوبا ، پرچم سوسیالیزم را در نیمکره غربی
به اهتزاز درآورد .

سوسیالیزم از مرزهای یک کشور فراتر رفته و در
بیش از یک چهارم ($\frac{1}{4}$) کره زمین که یک سوم جمعیت نوع
بشر را در خود جای داده ، نظامی جهانی شده است . برتری رژیم
سوسیالیستی در کشورهای سوسیالیستی که قدرت سیاسی ، اقتصادی ،
نظامی ، علمی و فنی خود را به سرعت افزایش داده اند ، عملاً
ثابت شده است . در سال ۱۹۷۵ ، فرآورده های صنعتی کشورهای
سوسیالیستی $\frac{41}{8}$ درصد کل فرآورده های جهان را تشکیل می داده
است . قدرت نظامی کشورهای سوسیالیستی بیش از پیش افزایش
یافته است ، و سطح زندگی خلقهای آنها مداماً ارتقاء می یابد .

شدت و دامنه جنبش های رها ئی بخش ملی افزایش یافته ، حملات
شدید آن امپریالیسم را وادار به عقب نشینی کرده است . در حدود
یکصد مستعمره قدیم به درجات گوناگون کسب استقلال کرده اند
و در جهت تثبیت استقلال سیاسی ، بنای دموکراسی و نیل به
استقلال اقتصادی ، مبارزه می کنند . در شرایط کنونی جهان ،
تکامل منطقی استقلال ملی و دموکراسی خلق به سوسیالیزم
مسیر اجتناب ناپذیر جنبش های رها ئی بخش ملی شده است .

مبارزه طبقه کارگر و زحمتکشان در کشورهای سرمایه داری از
انسجام و سازمان یافتگی بیشتری برخوردار شده است و از نظر
محتوا غنی تر و از نظر شکل انعطاف پذیرتر می شود . بسیاری از
اعتصابات موفقیت آمیز که مدت ها بطور مداماً با شرکت میلیون ها
نفر از مردم علیه بیکاری ، برای کار ، علیه تورم و سیاست های
اقتصادی سرمایه داران انحصاری دولتی ادامه داشته است ؛
با تظاهرات خیابانی پیوند می خورند .

بحران عمومی امپریالیزم در برابر حملات همه جانبه و مکرر
انقلاب جهانی و تضادهای درونی روبه رشد خود نظام سرمایه داری

عمیق ترمی شود. شکست جنگ تجا و زکارانه ایالات متحده علیه ویتنام نقطه عطفی در سیر نزولی و محتوم سردمداران امپریالیست‌ها و تاکیدی بر ضعف کل نظام امپریالیستی است. علی‌رغم تلاش نیروهای ارتجاعی و توطئه‌های دیوانه‌وار و خیانت آمیز متعدد برای سرکوب جنبش انقلابی و فریب خلقها، چشم‌انداز کنونی جهان نشان می‌دهد که سه جریان انقلابی فوق‌الذکر نیروئی بهم پیوسته و تعرض آمیز را تشکیل داده‌اند که بتدریج امپریالیزم را عقب رانده، آن را سرنگون خواهند کرد، و جزء به جزء استعمار کهنه و نورا بر خواهند انداخت.

دوستان و رفقای عزیز، انقلاب اکتبر روسیه، بزرگترین و کامل‌ترین انقلاب تاریخ بشریت بوده است که طبقات استثمارگر فئودال و سرمایه‌دار را سرنگون کرده، استثمار را انسان را از انسان را از میان برداشته است. پرولتاریا، ستمدیده‌ترین و استثمار شده‌ترین طبقه، جامعه را در موقعیت رهبری قرار داده، حاکمیت جامعه را به آنها سپرده، آنها را از بردگی به حاکمیت بر سر نوشت خویش رسانده، یوغ ستم‌ملی را از هم گسسته، مستعمرات را از زیر سیطره رژیم تزاری رها ساخته، برابری و حق تعیین سرنوشت تمامی ملل بزرگ و کوچک را اعلام کرده، زنان را آزاد ساخته و تساوی آنها را با مردان در کلیه زمینه‌ها برقرار کرده و اندیشه انسان را از قید کلیه افکار ارتجاعی عقب مانده‌ای که نتیجه هزاران سال مالکیت خصوصی و استثمار انسان از انسان بوده پاک کرده است.

پیروزی انقلاب اکتبر، دولتی سوسیالیست یعنی اولین دیکتاتوری پرولتاریا را در تاریخ بشریت در پی داشت و سوسیالیزم را از یک رویای زیبا به واقعیتی اجتماعی بدل ساخت. پیروزی انقلاب اکتبر، سرآغاز فرایند تغییر سوسیالیستی و کمونیستی جهان بود.

پیروزی انقلاب اکتبر پیشگویی‌های مارکس، انگلس و لنین را دربارهٔ اضمحلال سرمایه‌داری به ثبوت رساند، نظرات متفکران بورژوازی را دربارهٔ جاودانگی سرمایه‌داری، بی‌اعتبار کرد؛ و در عین حال بر افسانه‌بافی‌های اپورتونیست‌ها و فرمیست‌ها دربارهٔ گذارتدریجی (تحول) سرمایه‌داری به سوسیالیسم، خط بطلان کشید.

پیروزی انقلاب اکتبر، این گفته لنین را که امپریالیسم "بالاترین مرحله سرمایه‌داری" و "آستانه انقلاب سوسیالیستی پرولتاریا"، و اینکه امپریالیسم "سرمایه‌داری محتضر" است، را اثبات کرد. پیروزی انقلاب اکتبر ادعای کائوتسکی و هم‌پالکی‌های او را در بین الملل دوم که می‌گفتند: امپریالیسم به "فوق امپریالیسم" تکامل یافته است، رد کرد.

انقلاب اکتبر حلقه‌ای از زنجیر امپریالیسم را پاره کرد. لنین پس از تحلیل قانون تکامل ناموزون امپریالیسم، عنوان کرد که در عصر امپریالیسم، انقلاب می‌تواند در کشوری که سرمایه‌داری کاملاً توسعه نیافته، پیروز شود. انقلاب اکتبر به گواه رویدادهای روسیه، این نظریه را که انقلاب پرولتری تنها در کشورهای توسعه یافته صنعتی می‌تواند آغاز شود را بی‌اعتبار کرد.

انقلاب اکتبر بدون شک تئوری لنین را دربارهٔ پیروزی نهایی انقلاب پرولتری در برخی کشورها، حتی یک کشور سرمایه‌داری واقع در شبکه سرمایه‌داری جهانی را تأیید کرد. و استدلال‌های پیشین مارکسیست‌ها را که می‌گفتند سوسیالیسم تنها در کشورهای سرمایه‌داری می‌تواند پیروز شود را از اعتبار انداخت.

انقلاب اکتبر در جریان گذار از جهان کهنه به نو، از جهان سرمایه‌داری به سوسیالیسم، نقطهٔ عطفی مهم در تاریخ بشریت

بوده است. انقلاب اکتبر بسان چلچله^۱ بهاری پیروزی سوسیالیزم و زوال سرمایه‌داری را بشارت داده است. انقلاب اکتبر در بُعدی جهانی از عصری نوین، عصر گذار از سرمایه‌داری به سوسیالیزم، را خبر داد. از انقلاب اکتبر تا کنون، کشورهای جهان یکی پس از دیگری به راه سوسیالیزم گام گذارده‌اند، و نهایتاً "تمامی کشورهای جهان سوسیالیست و کمونیست خواهند شد؛ و این در تاریخ بشریت عصر ما ضرورتی عینی است."

انقلاب اکتبر خود "متروپول" امپریالیزم را سرنگون ساخت و در عین حال از پشت جبهه - مستعمرات تزار - به آن حمله برد. انقلاب اکتبر از عصر قیام‌های پرخروش و پیرتوان که هدف خویش را کسب استقلال و آزادی می‌دانند خبر داد، و پشت جبهه وسیع امپریالیزم جهانی را به لرزه درآورد.

پیروزی انقلاب اکتبر در کشوری پهناور که از اروپا تا آسیا دامن گسترده، برای جنبش انقلابی شرق و غرب، انگیزه‌ای پر-توان شد.

انقلاب اکتبر از اهمیت بین‌المللی و تاریخی شایانی برخوردار است. کلیه انقلاب‌های عصر حاضر عمیقاً "از انقلاب اکتبر تاثیر گرفته‌اند."

II

آنچه که از زمان پیروزی انقلاب اکتبر برای جامعه بشری پر اهمیت بوده، این است که "سده شکسته شد؛ جاده باز شد راه مشخص شد."

۱- عین جمله انگلیسی The Ice is Broken به معنی یخ شکسته شد، است که مناسب دیدیم سده شکسته شد، ترجمه کنیم
 ۲- لنین، مجموعه آثار، جلد ۵۳، انتشارات پروگرس مسکو، ۱۹۶۶، صفحه ۵۷.

خلقهای ویتنام راه انقلاب اکتبر را دنبال کردند و از اینرو پیروزی های پی در پی کسب کردند، به قدرت رسیدند، قدرت انقلابی را حفظ کردند و زندگی نوینی را بنا نهادند.

محتوا و جوهر راه انقلاب اکتبر چیست؟

در یک کلام (راه انقلاب اکتبر) راه انقلاب همه جا نبه ایست که توسط طبقه کارگر و زحمتکشان دنبال می شود، به نابودی رژیم استعمار انسان از انسان، و فقر و عقب ماندگی، و از گونی سرمایه داری و بنای جامعه کمونیستی در دو مرحله سوسیالیسم و کمونیسم بی طبقه می انجامد.

مشخصات اساسی انقلاب سوسیالیستی پرولتاریا را در انقلاب اکتبر با ید یافت.

قبل از هر چیز، انقلاب اکتبر انقلابی است که از طریق قهر به نتیجه رسید. در انقلاب اکتبر، کارگران و زحمتکشان به پا خاستند، برای سرنگون کردن طبقات استعمارکننده به قهر متوسل شدند، ماشین دولتی سرمایه داری را خرد کردند، و قدرت را بدست کارگران و دهقانان سپردند، دولت شوراها را برپا نمودند و گذار سوسیالیستی و ساختمان سوسیالیستی را به انجام رساندند.

طبقه کارگر و بورژوازی از بدو تولد خویش در مبارزه ای رویاروی درگیر بوده اند. طبقه کارگر برای دستیابی به هدف و رهائی خویش، بسیاری از مراحل مبارزات انقلابی را پشت سر نهاده، بسیاری از شیوه ها و اشکال گوناگون مصلحتی و علنی، گاه انفجاری و گاه تدریجی، سیاسی و نظامی را بکار گرفته؛ و عاقبت انقلاب سوسیالیستی را به انجام می رساند، جامعه سرمایه داری را سرنگون می سازد و سوسیالیسم را بنا می نهد.

"مساله اساسی انقلاب، مساله قدرت است." و این مساله بعد از انقلاب فوریه ۱۹۱۷ به عنوان هدفی عاجل که از اهمیت تعیین کننده ای برخوردار بود، برای طبقه کارگر روسیه مطرح شد. اما طبقه کارگر چگونه باید قدرت را تسخیر می کرد؟ بعد از انقلاب فوریه ۱۹۱۷ (انقلاب بورژوا - دموکراتیک)، زمانی که دو قدرت در روسیه با یکدیگر همزیستی داشتند؛ لنین در اندیشه تسخیر قدرت در سراسر کشور برای کارگران و دهقانان از طریق مسالمت آمیز بود؛ و برای این فرصت "فوق العاده نادر و فوق العاده گرانبها" تلاش می کرد. اما مقاومت جنون آمیز ضد انقلابیون بالا گرفت و حکومت موقت بی رحمانه مبارزه توده ها را سرکوب کرد. نهایتاً، طبقه کارگر برای درهم شکستن قهرضد انقلاب و تسخیر تمامی قدرت برای شوراها ناگزیر از توسل به قهر انقلابی شد.

تجربه عملی انقلاب اکتبر نشان می دهد که وقتی تضاد آشتی ناپذیر طبقاتی به شدت وحدت خود رسید؛ زمانی که دشمن طبقه کارگر به میل خود از میدان مبارزه سیاسی کنار نمی کشد، بلکه (استفاده از) "سرنیزه را در دستور کار قرار می دهد، آن موقع است که طبقه کارگر در اتحاد با اقشار مستمیده و استثمار شده خلق باید جهت تسخیر قدرت، استقرار دولت خویش، حفظ قدرت، سرکوب ضد انقلابیون و پیشبرد انقلاب، متوسل به قهر انقلابی شود. و این عالی ترین ضرورت است.

-
- ۱- لنین، مجموعه آثار، جلد ۲۴، انتشارات پروگرس، مسکو، ۱۹۶۴، صفحه ۲۴۵.
 - ۲- لنین، مجموعه آثار، جلد ۲۵، انتشارات پروگرس، مسکو، ۱۹۶۴، صفحه ۳۰۷.
 - ۳- لنین، مجموعه آثار، جلد ۹، انتشارات حقیقت، هانوی، ۱۹۶۳، صفحه ۱۵۶.

توسل به قهرا انقلابی جهت تسخیر قدرت و دفاع از قدرت انقلابی، ناشی از تعامیل کمونیست ها به شیوه " قهر نیست ، بلکه از خصلت ارتجاعی و سرسختی طبقات استثمارگر ناشی می شود .

ما مصمانه علیه قهر ضد انقلابی می جنگیم ، اما از قهرا انقلابی برای دفاع از منافع حیاتی خلق حمایت می کنیم ، وقتی جامعه نوینی پا به عرصه وجود می گذارد ، قهرا انقلابی معمولاً نقش یک قایله را بازی می کند . اگر چه لنین و حزب بلشویک روسیه ناگزیر از اعمال قهرا انقلابی شدند ، اما طبقه کارگر و خلق زحمتکش روسیه را در تحقق بزرگترین انقلاب تاریخ با حداقل خونریزی رهبری کردند .

جهت تسخیر قدرت برای خلق می توان به دوشیوه متوسل شد : شیوه مسالمت آمیز و غیر مسالمت آمیز . استفاده از طریق مسالمت - آمیز در موقع مناسب مستلزم برخورداری از نیرویی مغتناب است که این خود مشکلی اساسی است ، بنا بر این باید تدارکات کامل برای مبارزه به شیوه قهر آمیز را فراهم کرد و به " حسن نیت " و " عقل سلیم " طبقات استثمارگر ، میدانست .

لنین و حزب بلشویک روسیه بعد از حیر قدرت در انقلاب اکتبر ، دیکتاتوری پرولتاریا در روسیه را به شکل دیکتاتوری شورائی برپا کردند . بعد از پیروزی انقلاب سوسیالیستی در روسیه ، وظایف اصلی دیکتاتوری پرولتاریا عبارت بودند از :
- سرکوب مقاومت سرمایه داران و زمینداران سرنگون شده در انقلاب ، و درهم شکستن توطئه ها و فعالیت آنها علیه دولت سوسیالیستی برای احیاء قدرت سرمایه داران .

- بنا نهادن سوسیالیسم از طریق نیروهای تمامی زحمتکشان تحت رهبری طبقه کارگر ، و فراهم آوردن تمامی شرایط جهت محوریت طبقات .

- مسلح کردن انقلاب و سازمان دادن ارتش انقلابی جهت در

هم شکستن عملیات تجا و زکا را نه و ونگ افروزانها امپریالیست ها - مساعدت به و حمایت از مبارزه انقلابی طبقه کارگر، زحمتکشان و خلقیهای تحت ستم سراسر جهان در تمامی زمینه ها علیه امپریالیسم و نوکرانش .

دیکتاتوری پرولتاریا استوارترین رهبری طبقه کارگر را جهت دستیابی به هدف واقعی انقلاب سوسیالیستی و ساختمان سوسیالیسم، تامین می نماید؛ اتحاد کارگر - دهقان پایه مستحکم و در عین حال "عالی ترین اصل" دیکتاتوری پرولتاریا است .

وظیفه دولت دیکتاتوری پرولتاریا در زمینه سیاسی چیست ؟ دولت دیکتاتوری پرولتاریا برای سرکوب ضد انقلابیون، قهر انقلابی خویش را اعمال می کند و در عین حال حق حاکمیت جمعی زحمتکشان را تحت رهبری طبقه کارگر و بر اساس اتحاد کارگر - دهقان تامین می نماید؛ وسیع ترین آزادی های دموکراتیک را برای زحمتکشان فراهم می آورد، و همواره دفاع ملی را استحکام می بخشد، و حفظ و نظم اجتماعی و امنیت سیاسی و حفاظت از ثمرات کار خلق و دفاع از سرزمین سوسیالیستی را از جمله وظایف خویش می داند .

وظیفه دولت دیکتاتوری پرولتاریا در زمینه اقتصادی چیست ؟ ملی کردن وسایل عمده تولید که توسط استثمارگران ربوده شده، مصادره اموال غارت کنندگان، دگرگون کردن وضعیت استثمارگران طبق نظام سوسیالیسم، برقراری مناسبات تولید سوسیالیستی، بنانها در سوسیالیسم در جهت برآوردن حداکثر نیازهای مادی و فرهنگی زحمتکشان با استفاده از تکنولوژی و علم پیشرفته، اینها وظایف دولت دیکتاتوری پرولتاریا در زمینه اقتصادی است .

وظیفه دولت دیکتاتوری پرولتاریا در زمینه فرهنگی چیست ؟

محو فرهنگ ارتجاعی و عقب مانده طبقات استثمارگر، ریشه کن ساختن جهل و فقر فرهنگی با زمانده از رژیم کهن؛ ترویج فرهنگ سوسیالیستی، ترویج م. ل. به مثابه ایدئولوژی تمامی خلق و آموزش و پرورش زحمتکشان به مثابه صاحبان واقعی فرهنگ نوین، بطوری که از دستاوردهای این فرهنگ نوین بهره مند شوند، چرا که سرچشمه تمامی ارزش های معنوی و فرهنگی می باشند.

در همه زمینه های مذکور، هم عنصر مبارزه وجود دارد و هم عنصر آفرینش؛ مبارزه برای آفرینش، مبارزه ای که با آفرینش ترکیب می شود؛ مبارزه علیه اقلیت؛ طبقات استثمارگر و بقایای جامعه کهن که از نظر تاریخ محکوم به فنا هستند؛ آفرینش به سود اکثریت مردم؛ زحمتکشان و عنا صرف عالی که روبه رشدند. عنصر آفرینش، عنصری اساسی و همیشگی است.

بعد از پیروزی انقلاب، طبقات استثمارگر که تازه سرنگون شده اند و دیگر عنا صراستها رگ رهنوز برای رخنه در صف خلق می کوشند؛ آنها هنوز از توطئه ها و فعالیت های خود جهت اعاده سلطه پیشین مایوس نشده اند. چگونه می توان بدون اعمال دیکتاتوری پرولتاریا به سوی سوسیالیزم پیش رفت، جامعه ای که در آن مبارزه ای سخت جهت حل نهائی مساله " پیروزی از آن که خواهد شد"، بین سوسیالیزم و سرمایه داری جریان دارد؛ جامعه ای که در آن نیروهای تولیدی هنوز کاملاً توسعه نیافته اند، با آوری کار رهنوز بالانگیز، ثروت اجتماعی رهنوز فراوان نیست؛ جامعه ای که در آن هیچ کس نه از نظر سیاسی آگاهی (لازم) و نه از نظر حرفه و تخصص توانایی آن را دارد که حداکثر کوشش خود را برای جامعه بکار برد. هنوز شیوه های تفکر و سبک کار جامعه کهن در میان مردم کاملاً رایج است؛ و دولت ناگزیر است اصل توزیع (ثروت) بر حسب کار را مراعات

کند.

همین که طبقهٔ کارگر قدرت را تسخیر کرد، دولت باید دولت دیکتاتوری پرولتاریا باشد. مشی، رهنمودها و سیاست دولت باید با هدف، آرمان، موقعیت، و نقطه نظر طبقهٔ کارگر مطابقت داشته باشد. دیکتاتوری پرولتاریا می‌تواند اشکال گوناگونی داشته باشد، از جمله جمهوری شوراها، جمهوری خلق، جمهوری دموکراتیک. که اینها همه عنوان‌های گوناگون جوهری یگانه‌اند: دیکتاتوری پرولتاریا.

دولت دیکتاتوری پرولتاریا، دموکراتیک‌ترین دولت است. دموکراسی این دولت برای اکثریت مردم - زحمتکشان - و دیکتاتوری آن برای اقلیت - ضد انقلابیون، منفعت طلبان و استثمارگران - است. دولت دیکتاتوری پرولتاریا، آخرین دولتی است که در تاریخ بشریت به ظهور می‌رسد. این دولت جامعه کمونیستی بی‌طبقه را در پی دارد، جامعه‌ای که بی‌نیاز از دولت است؛ زمانی که رژیم کمونیستی به بلوغ برسد و وضعیت مشخص جهان ایجاب کند که این دولت خود به خود زوال یابد.

انقلاب اکتبر نه تنها جامعهٔ کهن را ویران کرد، بلکه بنیاد به قانون عینی تکامل تاریخ و بنا به تصور واقعی از بشریت مترقی، جامعه‌ای نوین - جامعه سوسیالیستی - را بنا نهاد. انهدام نظم اجتماعی کهن معمولاً "از ایجاد نظم اجتماعی نوین ساده‌تر است. انقلاب اکتبر، نخستین انقلاب پیروزمند سوسیالیستی در کشوری عقب مانده با تولیدکشاوری خرده‌پاست که در اثر جنگ داخلی و تجاوز خارجی ویران و از همه سو، توسط سرمایه‌داری جهانی محاصره شده بود. لکن حزب لنین با بکار بستن اصول مارکسیستی به شیوه‌ای استوار، و برخوردی شجاعانه با سختی‌ها و مشکلات، خلق را در پیشرفت‌های پیاپی و مدام در جهت گذار سوسیالیستی و ساختمان سوسیالیستی رهبری کرد.

برخی از جنبه‌های مشخص این پیشرفت به شرح زیر است :

- برقراری حق مالکیت سوسیالیستی - مالکیت تمام خلقی و مالکیت جمعی - و بنا گذاشتن مناسبات سوسیالیستی تولید ؛ ملی کردن وسایل عمده تولید که قبلاً "در مالکیت بورژوازی بوده است ، تبدیل سوسیالیستی صنعت و تجارت سرمایه داری از طریق اقدامات گوناگون ؛ تعاونی کردن کشاورزی ، بکار بستن اصل " از هر کس به اندازه استعدادش ، و به هر کس به اندازه کارش " ، یعنی مردمی که از نظر جسمانی توان دارند ، برای زندگی خویش باید کار کنند . کار بیشتر ، درآمد بیشتر ؛ کار کمتر ، درآمد کمتر و بدون کار ، بدون درآمد .

- صنعتی کردن سوسیالیستی اقتصاد ملی ؛ تقدم توسعه صنایع سنگین ، برق رساندن به سراسر کشور ، ایجاد شرایط مادی جهت مکانیزه کردن ، برقی کردن و خودکار کردن تدریجی درزمینه‌های صنعت ، کشاورزی ، ارتباطات و حمل و نقل ، بکار بستن تازه‌ترین دستاوردهای علم و تکنولوژی جهت ایجاد تولید بزرگ و مکانیزه ، رشد سریع و مداوم نیروهای مولده جامعه .

- توسعه اقتصاد طبق طرح برنامه‌ریزی شده ؛ پایان دادن به هرج و مرج تولید و نتایج مخرب آن (بحران ، بی‌کاری و . . .) ؛ اقتصاد ملی برنامه‌ریزی شده ؛ تامین توسعه اقتصادی همگون و متعادل ؛ هدایت و مدیریت اقتصادی به شیوه‌ای برنامه‌ریزی شده .

- سازماندهی رقابت سوسیالیستی ؛ ایجاد سازمان کار طراز نوین ، کار جمعی سوسیالیستی ، کار منظم با سطح تکنیکی و بار - آوری بالاتر و با شور و شوق و رقابت جمعی سوسیالیستی . دولت

جهت تقویت حرکت رقابتی، انگیزه‌های مادی را با آموزش سیاسی و محرک‌های اخلاقی تلفیق کرده است.

— انقلاب فرهنگی: ریشه‌کن کردن بیسوادی، افزایش کام به کام سطح عمومی آموزش و پرورش: تربیت فعالانه کادرها و کارگران ماهر؛ توسعه گسترده فرهنگ، آموزش، علم، تکنولوژی؛ ترویج اخلاق سوسیالیستی؛ ساختن انسان نوین و سوسیالیست.

— بنای تدریجی سوسیالیسم و پیشروی در جهت کمونیسم: ساختمان سوسیالیسم فرایندی است تکاملی که از سطح پائین به سطح بالادرجریان است. در آغاز، اتحاد شوروی پایه فنی و مادی سوسیالیسم را بنا نهاد و در پی آن تا به امروز، ساختمان سوسیالیسم پیشرفته را تحقق بخشیده و گذار به کمونیسم را آغاز کرده است.

حزب کمونیست اتحاد شوروی همواره خلق شوروی را به شیوه میهن پرستی سوسیالیستی و انترناسیونالیسم پرولتری، آموزش می‌دهد. و این مسأله‌ای است مرتبط با خصالت سوسیالیسم. زمانی که نخستین دولت سوسیالیستی مستقر شد، و.ا.لنین گفت:

۱- پیشروی در جهت کمونیسم در یک کشور سوسیالیستی فرایندی است که مستلزم انجام تغییرات مهم زیر است: محو تفاوت‌های میان نظام مالکیت تمام‌خلفی و نظام مالکیت جمعی (کلکتیو). لذا باید تدریجاً مالکیت کلکتیو جای خود را به مالکیت تمام‌خلفی بدهد. ناگزیر تولید باید توسعه یابد و با آوری کاربر پایه علم و تکنولوژی مدرن افزایش یابد و فراوانی کمونیستی ایجاد شود.

— اصل "از هر کس به اندازه استعدادش، به هر کس به اندازه نیازش" باید جایگزین اصل "از هر کس به اندازه استعدادش، به هر کس به اندازه کارش" شود.

— محو تفاوت بین شهر و روستا.

— محو تفاوت بین کار فکری و کاریدی.

— پیشرفت همه جانبه خلق با ترویج معنویات کمونیستی.

موضوعی که در این پارو رقی از آن یاد شده، در سخنرا س مطرح نشده است.

"طبقه" کارگر بلشویک روسیه همواره در عمل انترناسیونالیست بوده است ... بیایید نشان دهیم که وقتی انقلاب کارگری جهان یا انقلاب روسیه در خطر می افتد، کارگر روسی با توانمندی بیشتری کار می کند، می جنگد و از خود فداکاری بیشتری نشان می دهد."

در واقع، اتحاد شوروی همواره همکاری و حمایت خویش را در رابطه با کشورهای سوسیالیستی برادرا افزایش داده است، تا در بنای سوسیالیسم و کمونیسم و حفظ و گسترش نظام سوسیالیستی با موفقیت به یکدیگریاری رسانند؛ اتحاد شوروی فعالانه از جنبش های رهاشی بخش ملی و مبارزه کشورهای غیر متعهد جهت کسب استقلال سیاسی و اقتصادی؛ و از مبارزه طبقه کارگر و زحمتکشان کشورهای سرمایه داری و امپریالیستی در جهان پشتیبانی می کند. مختصراً آنکه، اتحاد شوروی مبارزه خلق های جهان علیه امپریالیسم، استعمار نو و کهنه جهت صلح، استقلال ملی، دموکراسی و سوسیالیسم را فعالانه، مورد حمایت و یاری خویش قرار داده است.

درس بزرگی که از انقلاب روسیه باید گرفت، این است که موفقیت در انقلاب سوسیالیستی و بنای سوسیالیسم به تلاش ما جهت بنای حزب طراز نوین طبقه کارگر و استحکام رهبری آن در تمام زمینه ها بستگی دارد. این حزب باید مل، رابه مثابه قطب نمای خویش در تمامی فعالیت های بکار گیرد. هدف این حزب، انهدام سرمایه داری و تمامی بقایای فئودالیسم، محو هرگونه ستم و استثمار، بنای زندگی نوین صلح آمیز، آزادی - بخش و شادی بخش، و عملی کردن واقعیت های سوسیالیسم و کمونیسم است. مشی حزب، مشی انقلاب همه جانبه و کامل است؛ از انقلاب بورژوا - دموکراتیک به انقلاب سوسیالیستی، از سوسیالیسم به کمونیسم.

حزب باید دقیقاً بر پایه «سانترالیزم دموکراتیک» سازماندهی شود؛ و از انضباط آهنین، وحدت ویگانگی اندیشه برخوردار باشد، و از هرگونه تقسیم و دسته‌بندی اجتناب کند؛ حزب در دو جبهه: علیه انحراف به راست و «چپ» مبارزه می‌کند، و به اپورتونیست‌ها و فرمیست‌ها فرصت سوء استفاده از سازماندهی حزب و تضعیف یگانگی اندیشه حزب را نمی‌دهد.

حزب پس از کسب قدرت، رهبری خویش را بر قدرت دولتی از مرکزیت تا سطوح محلی استحکام می‌بخشد. حزب می‌آموزد که اقتصاد را نظم و مدیریت بخشد، جامعه را سازمان دهد و بدون هیچ گونه قید و شرطی خویش را در خدمت خلق قرار دهد؛ حزب علیه بوروکراسی، اقتدارگرایی، خودکامگی و سوء استفاده از قدرت، مبارزه می‌کند:

آنچه در بالا گفته شد، مشخصات اساسی مشی انقلاب کبیر سوسیالیستی اکتبر است. دکترین و.ا. لنین درباره انقلاب سوسیالیستی، حقیقتی است عام که نه تنها در مورد روسیه و اتحاد شوروی، بلکه در مورد ویتنام و دیگر کشورهای جهان نیز صدق می‌کند.

طنین غرش رعد آسای توپ‌های انقلاب اکتبر بیداری ملت ویتنام را در پی داشت. زمانی که پرزیدنت هوشی مین، نخستین کمونیست ویتنامی، برای آزاد کردن کشور خویش تجارب دیگر کشورها را فرا می‌گرفت، به م.ل. و الگوی درخشان انقلاب اکتبر رسید. او گفت: «تنها سوسیالیزم و کمونیزم قادرند ملل ستمدیده و زحمتکشان سراسر جهان را از بردگی آزاد کنند.» "تزهائی دربارهٔ مسأله ملی و استعماری" اثر لنین، مشعلی بود که راه را برای پرزیدنت هوشی مین روشن کرد تا از

لحاظ بینش از انقلابیون ویتنامی بیش از خود فراتر رود و حقیقت زمان ما را که انقلاب اکتبر منادی آن بود، دریابید. پرزیدنت هوشی مین با یکا ربستن اصول م. ل. و رهروی در پرتو انقلاب اکتبر، مسیر انقلاب ویتنام را ترسیم و حزب کمونیست ویتنام، پیشاهنگ رزمنده طبقه کارگر ویتنام را تاسیس نمود. از آن پس خلق ویتنام تحت رهبری حزب کمونیست ویتنام مسلح به مشی انقلابی صحیح و خلاق، با پیگیری و پشتکار مبارزه کرد، بردشواری ها و سختی های بی شمار غلبه نمود، و در دو جنگ مقاومت طولانی علیه امپریالیزم فرانسه و امپریالیزم امریکا، به پیروزی بزرگ انقلاب اوت (۱۹۴۵) و سپس به پیروزی بهار ۱۹۷۵ دست یافت. و پس از تحقق رسالت انقلاب ملی دموکراتیک در سراسر کشور، تمامی ویتنام در مسیر سوسیالیزم هدایت شد.

چهارمین کنگره حزب کمونیست ویتنام بر پایه ویژگی های اساسی کشور، "کشوری با تولید عمدتاً خرد که بدون گذار از مرحله تکامل سرمایه داری مستقیماً به سوی سوسیالیزم پیش می رود"؛ برنامهء ساختمان سوسیالیستی سراسر کشور را طرح، و به این ترتیب شرایط را برای مرحله ای نوین از تاریخ ملت ما فراهم کرده است.



دوستان و رفقای عزیز،

از آغاز انقلاب کبیراکتبر - شصت سال پیش - تغییرات شگرف بی شماری در کرهء زمین رخ داده است؛ جهان نوین با غرض شلیک توپ های رزمنا و "سحرگاه" متولد شد، و هم چنان بدون وقفه گسترش یافت و به تنوع رسید. جهان کهن با نواخته

۱- نام رزمناوی که کاخ زمستانی را گلوله باران کرد.

شدن ناقوس مرگ از جانب انسان خود امپریالیست های
مداخله گرد در دریای سیاه "محتوم نا بودی خویش را می پیماید."
و تمام می پیشگوئی از مارکس، انگلس و لنین با سرعتی دم افزون
به واقع پیوندند.

سوال، در حالی که تمامی خلق ما از کاشولانگ^۱ تا مینه-
های^۲ در تلاش رقابت شادمانه سوسیالیستی هستند، و در حالی
که در تلاش تجدیدنای میهن مان هستیم و دومین برنامه پنج
ساله خود را (۸۵-۱۹۷۶) طبق قطعنامه چهارمین کنگره ملی
حزب اجرا می کنیم؛ شصتمین سالگرد انقلاب کبیرا اکتبر را جشن
می گیریم.

حزب، خلق و ارتش ما با الهام از روح تعامای انقلاب
اکتبر و با الهام از قهرمانی طبقه کارگر و خلق انقلابی شوروی،
جهت عملی کردن قطعنامه حزب، مصمم به مبارزه اند.

عناصر مثبت بطور مداوم به صحنه می آیند؛ در کشور ما، هر روز،
هر ساعت، حق حاکمیت جمعی زحمتکشان گسترده تروکا مل ترو
پایه فنی و مادی سوسیالیزم مستحکم تر می شود، و ایدئولوژی م.
ل. در زندگی معنوی تمامی خلق جایگاه بیش از پیش رفیع تری
می یابد. انسان های طراز نوین با عشق به سوسیالیزم و میهن
خویش پرتوان در تلاشند. تعداد واحدهای پیشاهنگ هر روز
افزایش می یابد، کارورفتار نمونه خلق ویتنام در همه زمینه های
زندگی شکوفا می شود.

تقریباً "یکسال است که حزب با بکار بستن قطعنامه چهارمین
کنگره ملی خود تمام می حزب، ارتش و خلق خود را به مبارزه ای بی-
امان و پیروزی بردشواری های ناشی از مصائب طبیعی، و کمبود
مواد خام و وسایل فنی... جهت عملی کردن برنامه دولتی،

رهبری نموده است .

(در سال های اخیر) در زمینه تولید و ساختمان ، دستاوردهای بسیاری داشته ایم ، با توسعه منابع آبیاری در سراسر کشور و آباد کردن زمین ها و گسترده تر کردن و بارورتر کردن مناطق جدید اقتصادی در افزایش تولید غذا به موفقیت های نائل شده ایم . بطور خلاصه ، شاخه های صنعتی آهنک طبیعی تکامل خویش را کسب می کنند و می روند تا در خدمت کشا ورزی و حفاظت از منابع آب تمرکز یابند . احتمالاً میزان صادرات به سطح سهمیه های برنامه ریزی شده خواهد رسید .

این موفقیت ها ، گویای عزم راسخ خلق ما و مؤید صحت قطعنامه چهارمین کنگره حزب ماست : در هر صورت ، این موفقیت ها با توجه به توان اقتصادی کشورمان ناچیز و موفقیت های اولیه اندونیا زهای کنونی اقتصادی کشورمان را تکافونمی کند .

وظایف مبرم ما بسیار سنگینند . چهارمین جلسه دومین پلنوم کمیته مرکزی حزب ، قطعنامه ای مبنی بر " تسلط بر نیروهای تمامی کشور و تحقق پیشرفت فعالیت کشا ورزی " را تصویب کرد . وظیفه تمامی حزب ، خلق و ارتش تحقق موفقیت آمیز این قطعنامه مهم است .

اکنون ، باید به شیوه ای رضایت بخش و خوشایند به کار برداشت محصول پائیزی بپردازیم . محصولات زمستانی را جهت جبران خوار باری که در اثر بلایای طبیعی ضایع شده اند ، افزایش دهیم . دهقانان را به فروش محصولات کشا ورزی خود به دولت تشویق نمائیم ، در کاستن بار مشکلات روزمره زندگی شرکت جوئیم ، مواد خام صنایع را تامین و کالاهای صادراتی را افزایش دهیم .

از سوی دیگر ، باید جهت عملی کردن برنامه تولیدی به

میزانی بالاتر از آنچه پیش بینی شده برای تامین برق ، ذغال ، سیمان ، کودشیمیائی ، مواد ساختمانی و بویژه تامین برق برای تولید ، تلاش کنیم . برای صنایع غذایی و صنایع سبک از مواد داخل کشور استفاده کنیم ، از مواد خام به نحوی اقتصادی بهره برداری کنیم و از محصولات زائد حداکثر استفاده را بنمائیم . باید امکانات عظیم صنایع دستی و صنایع خرد را جهت افزایش تولید کالای مصرفی مورد نیاز زندگی خلق بکار گیریم .

باید از مواد و امکانات ساختمانی عمدتاً " در پروژه های سرمایه ای و در درجه اول تکمیل و بهره برداری از آنها استفاده کنیم .

برای از بین بردن عدم تعادل موجود در ارتباطات و حمل و نقل و به ویژه واردات جهت برآوردن نیازهای اقتصاد ملی به نحو مطلوب کوشش های جدی به عمل آوریم .

شاخه های گردش و توزیع (تهیه مواد اولیه ، داد و ستد ، قیمت ها ، امور مالی و بانکی) باید در جهت تامین منافع تولید و زندگی مردم بطور کلی ، مدیریت خود را بهبود بخشند .

تا آنجا که حیطة گسترده اقتصاد ما اجازه می دهد تمامی شاخه ها ، مناطق و پایگاهها برای انجام طرح دولت باید به اقدامات مشخص و عملی جهت حداکثر استفاده از کار و زمین موجود ، دست زنند .

در حالی که تلاش می کنیم برنامه دولتی سال ۱۹۷۷ را اجرا کنیم ، باید مقدمات اجرای برنامه ۱۹۷۸ را به بهترین وجه فراهم آوریم و بدین طریق تکمیل موفقیت آمیز طرح پنج ساله ۸۵ - ۱۹۷۶ را تحرک کنی نوین بخشیم .

ضمن آنکه فعالان اقتصاد (جامعه) را بنامی کنیم ، باید به قدر کافی به تقویت و تحکیم دفاع ملی و برقراری امنیت سیاسی و نظم اجتماعی توجه کنیم . باید همواره هوشیاری خویش را برای

مقابله با توطئه‌های خائنانه امپریالیزم و نوکرانش افزایش دهیم. باید کار ایجاد ارتش منظم و مدرن خلق را تداوم بخشیم و همراه دیگر نیروهای مسلح خلق، سطح آموزش خود را ارتقاء دهیم و هم‌چنان استوار و مصمم آماده‌مبارزه برای دفاع از میهن محبوب مان باشیم. ارتش خلق در حالی که حداکثر نیروی خویش را جهت بنای اقتصاد و حفاظت از منابع طبیعی و آبها و دایرکردن زمین‌ها و ایجاد مزارع دولتی، بکار می‌گیرد، باید بخشی از کادرهای شاخه‌های گوناگون را، به‌ویژه در اختیار کشاورزی، جنگل‌بانی و شهرسازی قرار دهد. نیروهای امنیتی برای اجرای اقدامات بموقع جهت کشف، جلوگیری و سرکوب تمامی فعالیت‌های خرابکارانه نیروهای ارتجاعی، باید با توده‌ها تماس نزدیک داشته باشند. باید از تمامی جنایات جلوگیری کنند و با آنها برخورد جدی داشته باشند. باید نظم و امنیت را برقرار نمایند، و تضمین کنند که خلق در فضای صلح آمیز به توسعه‌ی جامعه بپردازند.

باید تکامل و رشد روابط سوسیالیستی تولید را گسترش دهیم. در شمال کشور، باید مدیریت موسسات دولتی، مزارع، مناطق جنگلی، تولید کشاورزی و تعاونی‌های کارهای دستی را استحکام بخشید و حسابداری بازرگانی و نظم کار سوسیالیستی را قاطعانه اجرا کرد. در جنوب کشور، باید صنعت و تجارت، کشاورزی کاردستی و تجارت خرد را به سرعت از مرحله سرمایه‌داری به مرحله سوسیالیستی انتقال داد. سرودر این انتقال گذر در صورت گیرد، عوامل منفی سرمایه‌داری بیشتر گسترش می‌یابند و به اقتصاد ملی بیشتر آسیب وارد می‌کنند. سیاست‌ها و طرح دولت و حزب را باید به دقت جامعه عمل پوشانند، و از تحریک‌های که در جریان انتقال سوسیالیستی شمال کسب شده، به‌شوه‌ای صحیح و مناسب برای شرایط جنوب استفاده کرد.

باید امور علمی و تکنیکی را ترویج نمائیم و ابعاد آن را گسترش دهیم، بطوری که تاثیر مستقیم بر تولید، زندگی و امکانات دفاعی مردم بگذارد. کار ما باید منطبق با شرایط عینی و وظایف محوله بر هر بخش و واحد باشد تا حداکثر استفاده از کارآئی ممکن در زمینه های علمی و تکنیکی به عمل آید و در این راه از کمال گرائی پرهیزیم. باید از کادرهای علمی و تکنیکی موجود استفاده منطقی کنیم، و در راه آموزش هماهنگ کادرهای علمی جدید اتمام ورزیم. باید پژوهش های علمی و تکنولوژیک ترغیب گردد و شرایط لازم جهت انجام این گونه پژوهش ها فراهم شود، رهنمود کنونی ما برای پژوهش های علمی و تکنیکی عبارتست از تمرکز بر امور که نیازهای مبرم ما را پاسخگو باشد و در جوار آن انجام تحقیقات پایه ای و دراز مدت و ساختمان مرحله به مرحله علوم و تکنولوژی کشور.

در ارتباط با کار ایدئولوژیکی و فرهنگی باید پیوسته فعالیت های ترویجی را گسترش دهیم و ضمن آن به دقت خط مشی، سیاست ها و نیازهای کار انقلابی خود را برای توده های وسیع مردم تشریح نمائیم و بدین گونه سطح آگاهی خلق را در همه زمینه ها ارتقاء داده و شور و اشتیاق آنان را برای انجام امور افزایش دهیم. باید انسان های نمونه، خصلت های نمونه و کارهای نمونه در راه تکامل جامعه را عمومیت دهیم، باید سطح کارآئی و بازده کار افزایش داده شود. تکنولوژی توسعه یابد، اموال عمومی محافظت گردد، صرفه جوئی به عمل آید و نظم کارگری مراعات گردد. باید با زماننده اثرات فرهنگ نواستعماری امریکا را محو نمائیم، باشدت و قاطعیت علیه انحرافات، مظاهر زدوبندهای سیاسی، تبذیر، بوروکراسی، کاهلی و

منفعل بودن، لذت جویی، عیاشی و فساد طبقات استثنای رگر به
مقابلہ بر خیزیم. هم چنین باید تفکر و سبک کار روزانه تولید
خرد را که فرساینده ساختمان سوسیالیستی مردم است، مورد
انتقاد قرار دهیم.

مسالهای که اکنون حائز اهمیت بسیار است، ایجاد ارتباط
میان سه عامل زیر می باشد: رهبری حزب نسبت به انقلاب
سوسیالیستی و ساختمان سوسیالیستی، حاکمیت خلق بر کشور
تحت رهبری طبقه کارگر و بر مبنای اتحاد کارگران و دهقانان،
و بالاخره مدیریت اقتصاد، جامعه و زندگی از سوی دولت.
ما باید حزب خود را از نقطه نظر ایدئولوژی و سازمان تقویت
کنیم و بر اساس وصیت مقدس رهبر "هوشی مین" عمل نمائیم که
گفت "حزب ما اکنون به قدرت رسیده است. هر عضو حزب و هر یک
از کارها با یستی عمیقاً "سرشار از روحیه انقلابی باشد. و از
خود سخت کوشی، صرفه جویی، پاکی و صداقت و فداکاری کامل در
راه مصالح جامعه نشان دهد. حزب ما باید پیروی خود را
حفظ نموده و شایستگی خود را به عنوان رهبر و خدمتگذار صدیق
خلق به اثبات رساند." حزب باید افراد مناسبی را که در جنبش
رقابت برای تولید و انقلاب سه گانه انقلاب در روابط تولید،
انقلاب علمی و تکنولوژیک و انقلاب ایدئولوژیک فرهنگی -
شرکت فعال دارند، برگزیند و قاطعانه عناصر واپس گرا و فاسد
را از حزب اخراج کند.

ما باید از طریق فعالیت سازمان های دولتی بویژه ارگانها
و سازمان های توده ای انتخابی از میان "جبهه سوزمین
اجدادی ویتنام" به نقش زحمتکشان در سالکیت جمعی
سوسیالیستی واقعیت بخشیم. باید یک جنبش وسیع توده ای

بوجود آوریم که با زسازی و دفاع از حریم سرزمین اجدادی را به انجام رسانیده و برای آبادی و شکوفائی کشور و بهروزی مردم از هیچ کوششی دریغ نکند.

باید تلاش نمائیم تا حکومت دیکتاتوری پرولتاریا را برقرار سازیم، حکومتی خلقی که به واقع از خلق ناشی شود و در خدمت خلق باشد، ارگان های دولتی از یکسو، باید بلادرنگ اراده و خواست های مردم را منعکس نمایند و از سوی دیگر، در خدمت خلق قرار گیرند و به تامین مصالح توده ها بپردازند. کارهای دولتی و کارمندان دولت باید چنان برگزیده شوند و آموزش ببینند که همواره خود را وقف مردم نمایند و به عنوان خدمت گذار صدیق توده انجام وظیفه نمایند و بدین گونه کارآئی و اعتبار دولت را افزایش داده و محفوظ دارند. باید برای تنظیم قانون اساسی کوشش بیشتری بنمائیم، مشروعیت سوسیالیسم را تحکیم بخشیم و اطمینان حاصل کنیم که قانون اساسی و قوانین دیگر کاملاً برای مردم تفهیم و توسط آنها دقیقاً رعایت می شود.

خلق ما به عنوان بخش فعالی از نیروی انقلاب جهانی می کوشد از شرایط مساعد بین المللی برای التیام بخشیدن به جراحاتی که در جنگ دیده است بهره برداری کند، پایه های مادی و تکنیکی سوسیالیسم و دفاع ملی را ساخته و تحکیم نماید و در عین حال، بصورتی موثر از مبارزات مردم جهان علیه امپریالیسم، استعمار کهنه و نو، تامین صلح، استقلال ملی، دموکراسی و سوسیالیسم حمایت نموده و نیز در این مبارزات شرکت نماید.

کشور ما جزئی از نظام سوسیالیستی جهانی است. ما با تمام کشورهای سوسیالیستی برادر مناسباتی بر اساس همکاری، اتحاد و کمک متقابل خواهیم داشت و در راه بهبود و تحکیم این همبستگی

کوشش خواهیم کرد. ما وصیت مقدس پرزیدنت هوشی مین را با عزمی را سخیکا رخواهیم بست و بر آن اساس حداکثر کوشش خود را در راه تجدید و تحکیم همبستگی رزمنده میان احزاب کمونیستی و کارگری کشورهای سوسیالیستی برپایه مارکسیزم - لنینیزم و انترناسیونالیزم پرولتری به عمل خواهیم آورد و در این راه منطق و احساس هر دو را در نظر خواهیم داشت.

ما به تقویت همبستگی رزمنده خود، همکاری در از مدت و کمک متقابل با خلقهای برادر در لائوس و کامبوج بر اساس برابری کامل، احترام به استقلال و حق حاکمیت، یکپارچگی ملی و منافع حقه یکدیگر ادامه خواهیم داد. پس از دهها سال مبارزه علیه امپریالیستهای تجا و زگروپس از تحمل قربانیان بی شمار و مشقات سنگین به خاطر حفظ استقلال و آزادی خویش، ما اکنون به خوبی به ارزش این حقوق مقدس برای هر ملتی آگاهیم. به همین دلیل است که ما همواره به استقلال، حق حاکمیت و یکپارچگی ملی همسایگان خویش و دیگر کشورها احترام نهاده ایم و به صورتی قاطع از استقلال، حق حاکمیت و یکپارچگی ملی خویش دفاع خواهیم کرد.

ما از مبارزات حق طلبانه خلقهای آسیای جنوب شرقی در راه استقلال ملی، دموکراسی، صلح و عدم تعهد واقعی و به دور از پایگاههای نظامی و حضور سربازان امپریالیست در خاک این گونه کشورها با تمام نیرو حمایت می‌کنیم.

همچنین ما با تمام نیرو از مبارزات مردم آسیا، آفریقا و امریکای لاتین علیه امپریالیزم، نظامهای استعماری و نو-استعماری، نژادپرستی، صهیونیزم و در راه کسب استقلال، دموکراسی و پیشرفت اجتماعی جانبداری می‌نمائیم.

ما در جنبش کشورهای غیر متعهد علیه سیاست‌های توسعه - طلبانه و انحما رجویانه امپریالیست‌ها و برای دفاع از استقلال

و آزادی و بازیابی حق حاکمیت همیشگی بر ثروت های ملی خویش شرکت موثر خواهیم کرد .

ما از مبارزات طبقه کارگر و زحمتکشان در کشورهای سرمایه داری علیه سرمایه داران انحصارگر در کشور خویش و کشورهای دیگر ، به خاطر رفاه و آسایش ، دموکراسی ، پیشرفت اجتماعی ، دفاع از استقلال ملی و صلح جهانی و بالاخره ، پیروزی کامل سوسیالیسم بی دریغ حمایت خواهیم کرد .

انقلاب خلق ما از حمایت و همکاری عظیم نیروهای انقلابی و پیشرو جهان برخوردار است . در این خصوص ، ما صمیمانه از اتحاد جماهیر شوروی ، چین و سایر کشورهای سوسیالیستی و کشورهای دوست در صلح و عدالت در تمام نقاط دنیا با خاطر کمک هائی که به ما در مبارزات میهن پرستانه علیه تجاوز امریکادر گذشته ، و ساختمان سوسیالیسم در حال حاضر نموده اند ، سپاسگزار می کنیم .

دستیابی به موفقیت کامل ، مطالعه و کاربرد خلاق مبانی مارکسیسم - لنینیسم و تطبیق تجربیات گران بهای انقلاب اکتبر با شرایط ویتنام مناسب ترین و واقعی ترین شکل جشن گرفتن سالگرد انقلاب اکتبر است .

دوستان و رفقای عزیز !

شصت سال پس از انقلاب اکتبر ، برهه های کوچک از تاریخ بشریت است که ضمن آن وقایع عظیم بی شماری چهره جهان را دگرگون ساخته است .

مبارزه طبقه کارگر و زحمتکشان در سراسر جهان حکایت از آینده ای نویدبخش می نماید و نیروی بهم آمیخته جریانات انقلابی در سراسر جهان پایه های پوسیده سرمایه داری را می لرزاند .

پس از پیروزی شکوهمند خلق ما در انقلاب اوت و طی دو جنگ

علیه استعما رفرانسه و امپریالیسم امریکا ، امروز مردم ما همگی با شور و اشتیاق تمام به کار ساختن ویتنام می صلح آمیز ، مستقل ، یکپارچه و سوسیالیست در شرایطی کاملاً نوین و مطلوب مشغول هستند .

برای مبارزه در جبهه سوسیالیسم لازم است خلق ما یکپارچگی خویش را تحکیم بخشد ، هوشیارتر گردد ، از خطت های قهرمانانه انقلابی خویش حداکثر بهره را بگیرد ، برای برداشتن موانع و مشکلات تلاش کند ، قابلیت های جدید کسب نماید و وظایف جدید و خطیر را با موفقیت به انجام رساند . بدین گونه و با طی این مراحل سوسیالیستی است که نه تنها بیش از ۵ میلیون نفر هموطنان ما به آزادی و بهروزی دست خواهند یافت ، بلکه به قدرت و پیشرفت نظام جهانی سوسیالیسم و مبارزات خلقها برای صلح ، استقلال ملی ، دموکراسی و سوسیالیسم کمک خواهند کرد .

بگذار تمامی حزب و ارتش ما روح انقلاب اکتبر (۱۹۱۷) و انقلاب اوت (۱۹۴۵) را توسعه دهند ، و به رقابت سوسیالیستی جان تازه ای بخشند . بیائید همگی در راه تحقق برنامه دولتی و انجام مصوبات کنگره چهارم حزب و پلنوم دوم کمیته مرکزی حزب مجدداً نه بکوشیم !

زنده باد انقلاب کبیر سوسیالیستی اکتبر !

زنده باد مارکسیسم - لنینیسم شکستنا پذیر !

مستحکم باد همبستگی عظیم خلقهای ویتنام

و اتحاد جماهیر شوروی !

پیروز باد مبارزات جهانی خلقها در راه صلح ،

استقلال ملی ، دموکراسی و سوسیالیسم !

زنده باد جمهوری سوسیالیستی ویتنام !

زنده باد حزب پرافتخار کمونیست ویتنام!
جاودان باد یاد هوشی‌مین، رهبر کبیرا انقلاب ما!

www.KetabFarsi.com

منتشر شده است

۱ - تاریخچه اول ماه مه

۲ - شورای بیکاران در سن پترزبورگ ۱۹۰۶

سرگی مالی شف

www.KetabFarsi.com

www.KetabFarsi.com

www.KetabFarsi.com



از انتشارات سازمان چریکهای فدایی خلق ایران (اکثریت)